

# فرهنگ لغات موسیقی کلاسیک



نویسنده: افراسیاب بدل بگی

ترجمه: فرهاد جوادی (عبدالله اوغلو)

# فرهنگ لغات موسیقی کلاسیک

(افراسیاب بدل بگلی)

ترجمه : فرهاد جوادی (عبداله اوغلو)

نام کتاب: فرهنگ لغات موسیقی کلاسیک

نویسنده: افراسیاب بدل بگلی

مترجم: فرهاد جوادی (عبداله اوغلو)

پست الکترونیکی مترجم: [E-mail:cavadi-ferhad @ Yahoo.com](mailto:cavadi-ferhad@yahoo.com)

ناشر: یاز

تیراژ: ۵۰۰۰

چاپ: اورمیه

نوبت و تاریخ چاپ: اول ۱۳۸۴

ISBN:964-8546-23-1 ⊕ شابک ۱-۲۳-۸۵۴۶-۹۶۴

اورمیه: خیابان مدنی ۱- کوی ۱۶ پلاک ۱۰۳ انتشارات یاز، تلفاکس ۰۴۴۱-۲۷۶۴۲۹۵

### یادداشتی در مورد مؤلف کتاب

افراسیاب بدل بگلی ، بدل بگ اوغلو متولد نوزدهم آوریل ۱۹۰۷ میلادی در شهر باکو مرکز جمهوری آذربایجان از آهنگسازان مشهور و رهبر ارکستر ، موسیقی شناس ، «لیبرتو» نویس و از هنرمندان ملی آذربایجان به شمار می آید. او موسیقی خود را در سال ۱۹۳۸ در مکتب موسیقی کنسرواتوریای شهر لنینگراد (سن پترزبورگ) به پایان می رساند . از سال ۱۹۳۰ تا هنگام فوت تمامی عمر و تلاش خود را مصروف دیریزوری (رهبری ارکستر)، تئاتر اپرا و باله دولتی آذربایجان می نماید.

در رپرتوآر او آثار آهنگسازان بزرگ و مشهور اروپای غربی ، روسی ، اتحاد جماهیر شوروی و همچنین آذربایجان چون اپراهای «آییدا» و «ریگولتو» اثر ج وردی ، «توسکا»، اثر ج . پوچینی ، «لیلی و مجنون» اثر عزیرحاجی بیگوف ، «سویل» اثر فکرت امیروف ، «واقف» اثر ر . مصطفی یف و در بین آثار باله ای او آثاری چون «سونلار گؤلو» یا «دریاچه قو» اثر چایکوفسکی ، «رایموندا» اثر آ. گلازونوف جایگاه مهمی را اشغال نموده است .

افراسیاب بدل بگلی «مؤلف اثر بالت آذربایجان به نام «قیزقالاسی» می باشد . او در این اثر فرمهای کلاسیک بالت را با موسیقی ملی آذربایجان به طور ماهرانه ای امتزاج می نماید . او مؤلف مارش پرشکوه و پوئمای سمفونیک اپراهایی چون «خلق غضبی = غضب و خشم ملت» در سال ۱۹۴۱ «نظامی» در سال ۱۹۴۸ «سویودلر آغلامازلار = درختان بید هرگز نمی گریند» در سال ۱۹۷۱ می باشد .

او برای بسیاری از نمایشنامه های درام چون «حاجی قارا» «فرهاد و شیرین» و ... در سال ۱۹۰۵ آهنگ و موسیقی ساخته است .

او لیبرتوی باله هایی چون «قیزقالاسی = قلعه دختر» ، «قاراجا قیز = دختر سیه چرده» ، «قیزیل آچار = کلید طلایی» و لیبرتوی اپراهایی چون «بهادر و صونا» و «درختان بید هرگز نمی گریند» را نگاشته است .

او همچنین متن پراهای «سویلیا بربری» اثر روسینی ، «آنوش» اثر تیگرانیان ، «دائیسی» اثر ز . پالیا شویلی را به طور اکویریتیمیک ترجمه نموده است .  
افراسیاب بدل بگلی به عنوان مروّج و مبلّغ صنعت موسیقی آذربایجان و همچنین به عنوان یک پوبلیسیست شناخته شده و مشهور شده است . او نشان سرخ زحمت و تلاش را دریافت کرده و با مدال «شرف» تطفیف گشته است .  
مدرسه موسیقی شماره ۲۳ در شهر باکو به افتخار او نامگذاری شده است .  
آثار این بزرگمرد تاریخ موسیقی آذربایجان به شرح زیر است .

- سخنی در مورد موسیقی - ۱۹۵۳

- « قربان پریموف » باکو سال ۱۹۵۵

- فرهنگ لغات موسیقی، باکو ۱۹۶۹

- آذربایجانسکی قاسودارستونینی اُردنالینا

- تئاتر اپرای ای بالتاییم . م . ف . آخوندوف ، مسکو سال

۱۹۵۹

موسیقیدان شهیر آذربایجان افراسیاب بدل بگلی در سال ۱۹۷۹ میلادی  
دار فانی را وداع گفت .

فرهاد جوادی (عبداله اوغلو)

اورمیه ۱۳۸۴

آدرس : ارومیه - صندوق پستی ۵۷۱۳۵-۸۸۳

**آکومپانیرووات**

مشایعت کردن - همراهی کردن

**Akkord****آکورد (آکورد)**

واژه لاتینی *accordo* به معنی موافقت (آک = *ac* = با، به خاطر، به طرف، راست و درست + *cor* = دل، قلب و به نظر بعضی محققین و صاحبنظران «کورد، مأخوذ از واژه یونانی *chorde* به معنی «سیم» می‌باشد)

**Akkord Majorni****آکورد ماژورنی**

سه همصدای بزرگ

**Akkord Maduliyasiya****آکورد مادولیاسیا**

انتقال آکورد از صدایی به صدای دیگر

**Akkord Obşi****آکورد اوبشی**

آکورد مشترک و عمومی. کلمه «اوبشی» در زبان روسی به معنی «مشترک» و «عمومی» می‌باشد

**Akkord Posredstvuyşiy****آکورد پوسردستوویشی**

واژه روسی به معنی «آکورد واسطه»

**Akkordoviy zvuk****آکوردووی زووک**

واژه روسی به معنی «صدای آکورد»

**Akkordeon****آکوردئون**

از آلات موسیقی بادی - کلاویائی

واژه فرانسوی با نگارش *accordéon***A****A kapella****آکاپللا**مأخوذ از واژه ایتالیایی *capella* به معنی کلیسای کوچک، صومعه.**Abbreviatura****آببرویاتورا**مأخوذ از واژه لاتینی *brevis* به معنی «مختصر»، «اختصار یافته»**Absolutnix slux****آبسولوتنیخ سلوخ**

واژه روسی به معنی داشتن قابلیت و استعداد شنوایی کامل و دقیق

**Agogika****آگوییکا**

واژه یونانی به معنی به اجرا در آوردن، به پیش بردن، به حرکت آوردن

**Adajio****آدازیو**واژه ایتالیایی «آداجیو» *adagio* به معنی آرام - آرام، سنگین و وزین، ساکت**Akkolada****آککولادا**واژه فرانسوی آکولاد *accolade* به معنی «معترضه» با نمایش نماد { }**Akkompanement****آککومپانمنت**واژه‌ای فرانسوی با نگارش *accompagnement* به معنی همراهی و مشایعت**Akkompaniator****آککومپانیاتور**

مشایعت کننده، همراهی کننده

**Akkompanirovat**



## آمپلیتودا **Amplituda**

واژه لاتینی *amplitudo* به معنی کمیت، حجم

## آمپلوا **Amplua**

مأخوذ از واژه فرانسوی *employer* (مشتق از واژه *emploi* = استفاده نمودن، به کار بردن) به معنی به درد خوردن، به کار آمدن، مشغول نمودن

## آنالیز

### **Analiz**

واژه‌ای یونانی *analysis* به معنی تفکیک و تجزیه به بخشهای گوناگون

## آندانتِه **Andante**

مأخوذ از واژه ایتالیایی *andare* به معنی روانه شدن، طی نمودن، طی طریق نمودن

## آنهمیتون **Anhemiton**

واژه یونانی *anhemtonos*. در این واژه *an* علامت نفی و انکار، *hem* به معنی نصف و نیمه و *tonos* به معنی تن می‌باشد

## آنسامبل **Ansambil**

واژه‌ای فرانسوی *ensemble* به معنی با هم، برابر و یکجا، دسته جمعی

## آنتی فون **Antifon**

واژه‌ای یونانی *anti phonos* به معنی عکس صدا، ضدّ صدا

## آنتراکت **Antrakt**

واژه فرانسوی *entreacte* به معنی فاصله، *entre* = در وسط، مابین + *acte* = عمل، واقعه، رویداد

## آکت **Akt**

برده (مأخوذ از واژه لاتینی *actus* به معنی عمل، حرکت)

## آکوستیکا **Akustika**

شنیدن، قابلیت شنوائی مأخوذ از واژه یونانی *akuein*

## آکسنت **Aksent**

مأخوذ از واژه لاتینی *accentus* به معنی ضرب

## آلِگِرِتو **Allegretto**

واژه ایتالیایی به معنی شاد و تند

## آلِگرو **Allegro**

واژه ایتالیایی در مفهوم تند و پر سرعت، شاد و فرح انگیز، شادی آور و نشئه آور، هیجان بخش.

واژه آلو *all-o* شکل اختصار یافته آن می‌باشد.

## آلت **Alt**

مأخوذ از واژه لاتینی *altus* به معنی صدای زیر (نسبت به تینور)

## آلتراسیا **Alterasiya**

مأخوذ از واژه لاتینی *alterare* به معنی عوض نمودن، تعویض

## آلتووی کلوج **Altoviy kluch**

واژه روسی به معنی کلید «آلت»

## آمبوشور **Ambuşur**

مأخوذ از واژه فرانسوی *bouche* = دهان به معنی موشوک



واژه لاتینی articulare به معنی واضح و روشن، صحیح و مشخص .

## آرفا Arfa

واژه ایتالیایی arpha به معنی نوعی آلت سیمی ایستاده به نام چنگ .

## آتونالیزم Atonalizm

واژه یونانی . a - از ادات انکار و نفی در زبان یونانی + tonalizm .



## آرغنون

نام یکی از آلات موسیقی که واژه‌ایست

یونانی organon

## B

## باقاتل Baqatel

واژه فرانسوی bagtelle به معنی اسباب‌بازی، آلت و مضحکه دست‌آدمک و عروسک بازی

## بالایکا Balalayka

نام نوعی آلت موسیقی

## بالت Balet

واژه فرانسوی ballet و مأخوذ از واژه لاتینی ballo به معنی «رقص می‌کنم»، «می‌رقصم»

## بالت میستر Baletmeister

واژه آلمانی با نگارش balletmeister

## آپوفئوز Apofeoz

مأخوذ از واژه یونانی apotheosis به معنی قدسی نمودن، الهی نمودن، به اوج قداست و عروج رساندن

## آپاسیوناتا Appassionata

مأخوذ از واژه ایتالیایی appassionate به معنی تهییج نمودن، بیدار نمودن احساسات و عواطف

## آپلیکاتورا Applikatura

واژه‌ای آلمانی applikator و در لاتینی و ایتالیایی applicare به معنی فشردن و چسباندن، بیخ هم چیدن

## آرانجه Aranje

واژه فرانسوی arranger به معنی راست و درست نمودن، روبراه کردن، آرنج نمودن و در موسیقی به معنی آهنگسازی و ساختن آهنگ به کار می‌رود.

## آریئتا Arietta

واژه ایتالیایی به معنی آریای کوچک .

## آریئوزو Ariozo

واژه ایتالیایی arioso به معنی شبه آرییا، آرییا گونه.

## آریا Ariya

واژه ایتالیایی aria به معنی ترانه، آهنگ .

## آرپچیو Arpecio

واژه ایتالیایی arpeggio به معنی نواختن چنگ گونه، حالت نواختنی که شبیه نواختن ساز چنگ باشد.

## آرتیکولیاسیا Artikuliyasiya





واژه ایتالیایی clarinetto basso نام آلتی

از آلات موسیقی

### Basoviy instrumenti

#### باسووی اینسترومنتی

واژه روسی به معنی آلات باس، آلات

موسیقی باس

### Basoviy klyuč کلوچ

واژه روسی به معنی کلید باس

### Basethorn هورن

واژه آلمانی- ایتالیایی bassethorn که از

دو جزء ترکیب یافته است. جزء اول آن

واژه ایتالیایی bassetto و یا basso + جزء

دوم که واژه ایست آلمانی horn به معنی

شیپور، نفیر

### Basso continuo

#### باسسو کونتینوئو

واژه ایتالیایی basso + واژه انگلیسی

continuo یعنی دائمی، مداوم، متصل،

ممتد = باس ممتد و مداوم

### Basso ostinato

#### باسسو اوستیناتو

واژه ایتالیایی basso + ostinato یعنی

لجوج عنادگر

### Bekar بکار

واژه فرانسوی bécarre نام یکی از اشارات

نت‌نویسی در موسیقی

### Bolero بولرو

واژه اسپانیایی bolero

### Bolşaya oktava

بولشایا اوکتاوا

### بالادا Ballada

واژه پرووانسالی ballada به معنی

«می‌رقصم»، «رقص می‌کنم».

### باندا Banda

واژه ایتالیایی به معنی دسته، گروه

### باندورا Bandura

واژه یونانی به معنی سه سیمه، دارای سه

سیم

### بارابان Baraban

واژه ترکی به معنی طبل

### بارد Bard

واژه فرانسوی barde مآخوذ از واژه کلتی

bard به معنی شاعر، خواننده، سراینده

### باریولاژ Bariolaj

واژه فرانسوی bariolage به معنی

رنگارنگ، الوان

### باریتون Bariton

واژه ایتالیایی baritono مآخوذ از واژه

یونانی «باری» bary یعنی

کلفت، زمخت + tonos یعنی تون = صدای

کلفت و زمخت، تون صدای کلفت

### بارکارولا

### Barkarola

واژه ایتالیایی barcarola به معنی کشتی،

قایق

### باس Bas

واژه ایتالیایی basso به معنی پایین، بُم

### باس کلارنت Bas-Klarnet



واژه روسی به معنی اکتاو بزرگ

**Brevis** **برویس**

واژه لاتینی brevis به معنی کوتاه، مختصر

**Bubn** **بوین**

واژه روسی به معنی دف

**Bunçuk** **بونچوک**

واژه‌های ترکی «بونچوک» bonçuk به معنی

منجوق

**Bılina** **بیلینا**

واژه روسی به معنی داستان

**C****Caz** **جاز**

واژه انگلیسی jazz-band به معنی ارکستر

جاز

**Ç****Çakona** **چاکونا**

مأخوذ از واژه ایتالیائی ciaccona و واژه

فرانسوی chaconne

**Çardaş** **چارداش**

واژه مجاری csardas مأخوذ از واژه

csarda به معنی میخانه، خرابات

**Çast srednyaya****چاست سردنیایا**

واژه روسی به معنی قسمت میانی، حصّه و

بخش وسط، بخش میانی

**Çasti kraynie** **چاستی کراینییه**

واژه روسی به معنی قسمت‌های بریده شده،

بخش‌های قطع شده و بریده شده

**Çastuşka** **چاستوشکا**

مأخوذ از واژه روسی چاستی (زود - زود) به

معنی تکرار شونده، مکرر و مداوم

**Çast** **چاست**

واژه روسی به معنی بخش، حصّه، قسمت

**Çast zaključitelnaya****چاست زاکلوچیتلنایا**

واژه روسی به معنی آخرین قسمت، بخش

پایانی

**Çast svobodnaya****چاست سوابودنایا**

واژه روسی به معنی بخش آزاد، قسمت آزاد

**Çast svyazuyuşşaya****چاست سویازویوششایا**

واژه روسی به معنی بخش پیوند دهنده،

قسمت و بخش اتصال دهنده، قسمت ارتباط

دهنده

**Çelesta** **چلیستا**

واژه ایتالیایی celesta به معنی سماوی

**Çetvertnaya nota****چتورتنایا نوتا**

واژه روسی به معنی نُت چارک، نُت ¼

**Çetvertnaya pauza****چتورتنایا پائوزا**

واژه روسی به معنی پائوزای چارک،

پائوزای ¼

**Çetirexqolosnoe slojenie****چتیرخ قولوستویه سلوژنییه**

**Dempfer** **دِمپِفِر**

واژه آلمانی Dämpfer به معنی ساکت و خاموش کننده

**Derevyannie duxovie instrumenti****دِرِویاننیه دوخوویه اینسترومنتی**

واژه روسی به معنی آلات دمی (فوتی) ساخته شده از چوب

**Detaxe** **دِتاشِه**

واژه فرانسوی détaché مآخوذ از واژه détacher به معنی اشتقاق، جدا کردن

**Detonasiya** **دِتوناسیا**

واژه فرانسوی détonner به معنی خارج خواندن و خارج نواختن

**Desima** **دِسِما**

واژه لاتینی decima به معنی دهمی، دهمین

**Desimet** **دِسِمِیت**

واژه آلمانی Dezimett مآخوذ از واژه لاتینی decimus به معنی دهمی، دهمین

**Desimol** **دِسِی مول**

واژه لاتینی decem به معنی (۱۰)

**Diyalog** **دیالوگ**

واژه یونانی dialogos به معنی مکالمه و گفتگو

**Diyapazon** **دیاپازون**

واژه یونانی dia pason که معنای حرفی آن «روی تمامی سیمها» یعنی ایجاد ارتعاش روی تمامی سیمها می باشد.

**Diyatonika** **دیاتونیکا**

واژه روسی به معنی ترتیب چهار صدایی

**Çistaya** **چِیستایا**

واژه روسی به معنی خالص

**D****Dvoynaya fuga****دِوِینایا فوگا**

واژه روسی به معنی فوگای دو طبقه

**Dvoynoy bekar****دِوِینوئی بکار**

واژه روسی به معنی «بکار دوپل» یا «دوپل بکار»

**Dvoynoy bemol****دِوِینوئی بَمول**

واژه روسی به معنی «دوپل بمول»

**Dvoynoy diez****دِوِینوئی دِیز**

واژه روسی به معنی «دوپل دیز»

**Dvoynoy kontrapunkt****دِوِینوئی کنتراپونکت**

واژه روسی به معنی کنتراپونکت دو طبقه

**Dvuqolose** **دِووقولوسِه**

واژه روسی به معنی دو صدایی

**Dvuxqolosniy****دِووخ قولوسنی**

واژه روسی به معنی دو صدائی، جفت صدا

**Deka** **دِکا**

واژه آلمانی Decke (درپوش) به معنی روی روی



واژه فرانسوی direction مأخوذ از واژه لاتینی directio به معنی سمت، استقامت

### Dirijor دیریزور

واژه فرانسوی diriger به معنی رهبری کردن، اداره نمودن

### Disqarmoniya دیس قارمونیا

واژه یونانی disharmonia به معنی ناهماهنگ، بدون هماهنگی، بدون آهنگ

### Diskant دیسکانت

واژه لاتینی discantus مأخوذ از واژه dis (جدا نمودن، تفکیک) + cantus (خواندن، آواز، سرودن)

### Dissonans دیسونانس

واژه فرانسوی dissonance مأخوذ از واژه لاتینی dissono به معنی بدون ریتم و آهنگ، بی آهنگ، متنافر

### Dlitelnost دلیتل نوست

واژه روسی به معنی مدت، زمان

### Dodekafoniya دُدکافونیا

واژه یونانی dodeka phone . dodeka (دوازده) + phone (صدا)

### دُولیا

#### Dolya

واژه روسی به معنی تقطیع، قطعه قطعه کردن، به قطعات تقسیم کردن

### Dolya silnaya دُولیا سیلنایا

واژه روسی به معنی تقطیع سنگین و وزین، تقطیع قوی

### Dolya silabaya دُولیا سلابایا

واژه یونانی diatonikos به معنی افت و سقوط. یعنی از یک تن صدا به تن دیگر یا از پرده ای به پرده دیگر رفتن

### Diyatoniçeskaya qamma دیاتونیچسکایا قامما

واژه روسی به معنی گام دیاتونیک

### Diyatoniçeskiy zıvukoryad دیاتونیچسکیی زیووکوریا

واژه روسی به معنی آرایش دیاتونیک صدا

### Diyatoniçeskiy puloton دیاتونیچسکیی پُلوتن

واژه روسی به معنی نصف تن دیاتونیک، نیم تن دیاتونیک

### Divertisment دیورتیسمنت

واژه فرانسوی divertissement به معنی شادی و تفریح، جشن و سرور

### Diez دییز (دیز)

واژه یونانی diesis به معنی نصف تن، نیم تن

### Diktant Muzikalnıy دیکتانت موزیکالنی

واژه روسی به معنی املاء موسیقی

### Diletant دیلتانت

واژه ایتالیایی dilettante مأخوذ از واژه dilettare به معنی حظّ دادن، لذّت دادن

### Dinamika دینامیکا

واژه یونانی dynamikos به معنی نیرو، قوت، توان، انرژی، تحرک، پویایی

### Direksiyon دیرکسیون

**دراماتیچسکایا موزیکا**

واژه روسی به معنی موسیقی دراماتیک

**Dudka** **دودکا**

واژه روسی نام یکی از آلات موسیقی بادی -  
فوتی که ترکان آذربایجانی آنرا «توتک» یا  
«سومسو (stimsü)» می‌نامند.

**Dulogiya** **دولوگیا**

واژه مرکب لاتینی - یونانی. واژه لاتینی duo  
(دو، جفت) + واژه یونانی logos (مفهوم،  
تعلیم، معنی، درک) به معنی دو مفهوم، دو  
معنی، دارای دو معنی و مفهوم

**Duol** **دوئل**

واژه لاتینی duo به معنی دو، جفت

**Duxovoy orkestr****دوْخووی اُرکستر**

واژه روسی؛ به معنی گروه، دسته، باند، باندا

**Duxovnaya muzıka****دوْخوونایا موزیکا**

واژه روسی به معنی موسیقی مذهبی، دینی

**Duxoviye instrumentı****دوْخووییه اینسترومنتی**

واژه روسی به معنی آلات موسیقی دمی  
(فوتی)

**Dulçe** **دولچه**

واژه روسی به معنی سوراخ (در آلات  
موسیقی بادی و دمی)

**Duška** **دوشکا**

واژه روسی به معنی دیرک، چوب

**Duet** **دوئت**

واژه روسی به معنی تقطیع سبک، تقطیع  
ضعیف

**Dominant** **دومینانت**

واژه لاتینی dominans (dominatis) به  
معنی حاکم، برتر، غالب

**Dominatovaya sfera****دومیناتووایا اسفِرا**

واژه روسی به معنی حیطه و حوزه دومینانت

**Dominatovaya funkciya****دومیناتووایا فونکچیا**

واژه روسی به معنی فونکسیای دومینانت

**Dominant septakord lojniy****دومینانت سپتاکورد لوژنی**

واژه روسی به معنی دومینانت سپتاکورد  
دروغین، غیر حقیقی و مجازی

**Dominantı paboçniye****دومینانتی پابوچنیه**

واژه روسی به معنی دومینانت‌های اضافه  
شده، دیگر دومینانت‌های افزوده شده،  
دومینانت‌های دیگر

**Domra** **دومرا**

واژه‌ای ترکی

**Doriyskaya seksta****دوریسکایا سیکستا**

واژه روسی به معنی سیکستای دوریدا

**Doriyskiy lad** **دوریسکی لاد**

واژه روسی به معنی مقام دوریدا

**Dramatičeskaya muzıka**



واژه روسی به معنی آلات موسیقی برقی،

آلات موسیقی الکتریکی

### Elektronnaya muzika

الکترونایا موزیکا

واژه روسی به معنی موسیقی الکترونیکی

### Elementarnaya teoriya muziki

المنتارنایا تئوریا موزیکی

واژه روسی به معنی نظریه و تئوری ابتدائی

موسیقی

الیپسیس

### Ellipsis

مأخوذ از واژه یونانی elleipsis به معنی

نقصان، عذر، احساس

### Enharmonizm

ان هارمونیزم

مأخوذ از واژه یونانی enarmonios به معنی همساز

بودن، تراز آمدن، تراز بودن

### Eoliyskiy lad

اؤلویسکی لاد

واژه روسی به معنی مقام ائولیک eolik

### Epizod

اپیزود

واژه یونانی episodion به معنی علاوه،

مضاف، اضافه

### Epilog

اپیلوگ

واژه یونانی epilogos مأخوذ از واژه epi

(بعدی) + logos (سخن، کلام)

### Epitalama

اپیتالاما

واژه یونانی epithalamios به معنی جشن

عروسی، به مناسبت عقد عروسی

### Estrada

استرادا

واژه ایتالیایی duetto مأخوذ از واژه لاتینی

duo به معنی دو، جفت، دوتائی

### Duet sonatny

دوئت سوناتینی

واژه روسی به معنی سونات دوئت

### Duet fortepiyanniy

دوئت فُورته پیانینی

واژه روسی به معنی فورته پیانوی دوئتی

## E

اکسپوزیسیا

### Ekspozisiya

واژه لاتینی expositio به معنی شرح،

توضیح، ابضاح

### Ekspressionizm

اکسپرسیونیزم

واژه فرانسوی expression به معنی افاده

نمودن

اکسپرومت

### Ekspromt

واژه لاتینی expromtus به معنی همیشه

حاضر

### Elegiya

الگییا

واژه یونانی elegia به معنی شکایت، شکوه،

گله

### Elektriçeskie muzikalnie instrumentı

الکتریچسکیه موزیکالنیه

اینسترومنتی



واژه فرانسوی estrada مأخوذ از واژه اسپانیائی estrado

**Etüd** **اِتود**  
واژه فرانسوی etude به معنی تمرین

**F**  
**Fagot** **فاگوت**  
واژه ایتالیایی fagotto به معنی گره، بستن

**Faktura** **فاکتورا**  
واژه لاتینی factura به معنی اعلام، ساختار  
**فالسِت**

**Falset**  
واژه ایتالیایی falsetto مأخوذ از واژه fasto به معنی ساختگی، تصنعی، مصنوعی، غیر حقیقی، تقلبی

**Fantaziya** **فانتازیا**  
واژه یونانی fantazia به معنی خیال، رؤیا، تصوّر

**Fanfar** **فانفار**  
واژه فرانسوی fanfare به معنی شیپور

**Fermata** **فِرِماتا**  
واژه ایتالیایی به معنی ایست، مکث

**Figur** **فیگور**  
واژه لاتینی figura به معنی صورت، سیما، شکل

**Figura ritmiçeskaya**  
**فیگورا ریتمیچسکایا**

واژه روسی به معنی فیگور ریتمیک  
**Figurasiya**

**فیگوراسیا**

واژه لاتینی figuratio به معنی  $\Lambda$  به فرم انداختن»،  $\Lambda$  شکل و فرم دادن»،  $\Lambda$  ایفای عیانی و آشکار»

**Figuratsiya qarmoniçeskaya**  
**فیگوراتسیا قارمونیچسکایا**

واژه روسی به معنی فیگوراسیای هارمونیک

**Figuratsiya melodiçeskaya**  
**فیگوراتسیا ملودیچسکایا**

واژه روسی به معنی فیگوراسیای ملودیک

**Fidel** **فیدِل**  
واژه آلمانی fidel مأخوذ از واژه لاتینی fides به معنی سیم

**Filarmoniya** **فیلارمونیایا**  
واژه یونانی philos (دوست داشتنی، دلپسند) + harmonia (آهنگ)

**Final** **فینال**  
واژه ایتالیایی finale مأخوذ از واژه لاتینی finis به معنی سرانجام، عاقبت، پایان

**Fioritura** **فیوریتورا**  
واژه ایتالیایی fioritura (شکفته شدن) که در موسیقی آذربایجانی به معنی زنگوله می‌باشد

**Fis harmon** **فیس هارمون**  
واژه یونانی phys (دَم) + harmonia (آهنگ)

**Fistula** **فیستولا**



واژه یونانی phone (صدا) + grapho  
(می‌نویسم)

**Forma** **فُرْمَا**

واژه لاتینی به معنی ظاهر خارجی، شکل خارجی

**Formalizm** **فُرْمَالِیزْم**

واژه لاتینی مأخوذ از واژه forma به معنی شکل گرائی، فرم گرائی

**Formanta** **فُرْمَانْتَا**

واژه لاتینی formans به معنی تشکیل کننده، تشکیل دهنده

**Fortepiano** **فُورْتِه پِیَانو**

واژه آلمانی Fortepiano مأخوذ از واژه ایتالیایی forte (محکم و بلند، با شدت) + piano (آرام، به طور آهسته، یواش)

**Forşlag** **فُورْشِلَاگ**

واژه آلمانی Vorschlag مرکب از vor (اولی، قبلی، از قبل) + schlag (ضرب)

**Forşlag dolgiy**

**فُورْشِلَاگ دُلْگِی**

واژه روسی به معنی فورشلاگ بلند و دراز (ضربداری)

**Forşlag korotkiy**

**فُورْشِلَاگ کُوروتکی**

واژه روسی به معنی فورشلاگ کوتاه (ضربداری)

**Fragment** **فِرَاگْمِنْت**

واژه لاتینی fragmentum به معنی حصّه، قطعه، پارچه، فصل

**Fraza** **فِرَازَا**

واژه لاتینی fistula به معنی ساختگی و تصنعی

**Flajolet** **فِلَاژِلِت**

واژه فرانسوی flageolet به معنی زورنا، شیپور

**فِلِیتَا**

**Fleyta**

واژه ایتالیایی flauto مأخوذ از واژه لاتینی flatus که معنی لغوی آن کولاک، مه بوده و در موسیقی نام یکی از آلات دمی به نام «فلوت» می‌باشد

**فِلِکْسَاتُون**

**Fleksaton**

واژه آلمانی Flexaton مأخوذ از واژه لاتینی flexio (پیچ، پیچش) + tonos (تَن)

**Flugelhorn** **فُلُوگِلْ هُورِن**

واژه آلمانی Flugelhorn مأخوذ از واژه flug (بال) + horn (نفیر، شیپور)

**Foburdon** **فُوبُورْدُون**

واژه فرانسوی bourdon + faux به معنی باس دروغین و ساختگی

**Fokstrot** **فُوکْستِرُوت**

واژه انگلیسی foxtrot مرکب از fox (روباه) + trot (روش، راه رفتن)

**Folklor** **فُولْکُلُور**

واژه انگلیسی folk (ملت، خلق) + lore (تعلیم)

**Fonograf** **فُونُوگِرَاف**



**Funktsiya toničeskaya****فونکتسیا تونِچسکایا**

واژه روسی به معنی فونکسیای تونیک

**G****General-bas** گنرال باس

واژه آلمانی Generalbas مأخوذ از واژه لاتینی general (عمومی، اساس، عمده) + باس

**Generalnaya Pauza****گنرال نایا پائوزا**

واژه روسی به معنی پائوزای عمومی و اساسی

**Gimel** گیمِل

واژه انگلیسی gymel مأخوذ از واژه لاتینی gemellus به معنی جفت، دوقلو، دوتایی

**Gipo-Ladi** گیپو-لادی

هیپولادی. واژه مرکب یونانی- روسی یعنی مقامهای هیپو. واژه یونانی hypo (در زیر، در تحت) + واژه روسی لادی (مقامها)

**Gitara** گیتارا

واژه اسپانیایی gitara مأخوذ از واژه یونانی gitara نام یکی از آلات موسیقی غربی به نام گیتارا»

**H****Hekkelfon** هکِل فون

نام استاد و مخترع آلمانی W.Heckel + واژه یونانی phon (صدا)

واژه یونانی phrasis به معنی افاده

**Frigiyskaya sekunda****فریگیسکایا سکوندا**

واژه روسی به معنای سکوندای فریگیا

**Frigiyskiy lad****فریگیسکیی لاد**

واژه روسی به معنی مقام فریگیا

**Fuga** فوگا

واژه لاتینی fuga به معنی فرار که در موسیقی آذربایجانی انواع آن عبارت است از: فوگای استادانه، فوگای ساده، فوگای رتال، فوگای تونال، فوگای دوگانه و سه گانه

**Fugato** فوگاتو

واژه ایتالیایی fugato به معنی فوگاتگونه، فوگاوار

**Fugetta** فوگیتا

واژه ایتالیایی و شکل اختصار یافته واژه فوگا fuga

**Funktsii ladovie****فونکتسیی لادوویه**

واژه روسی به معنی فونکسیای صداها در مقام

**Funktsiya****qarmoničeskaya****فونکتسیا قارمونِچسکایا**

واژه روسی به معنی فونکسیای هارمونیک

**Funktsiya dominantovaya****فونکتسیا دُمینانتوویا**

واژه روسی به معنی فونکسیای دُمینانت



**İnvensiya** اینونسیا  
واژه لاتینی inventio به معنی کشف،  
ایجاد

**Instrument** اینسترومنت  
آلت موسیقی

**Instrumentı basoviyе**  
اینسترومنتی باسُوییه  
واژه روسی به معنی آلات موسیقی باس

**Instrumentı vidoviyе**  
اینسترومنتی ویدُوییه  
واژه روسی به معنی آلات موسیقی هم‌نوع و  
همجنس

**Instrumentı derevyanniye**  
اینسترومنتی درِویاننیه  
واژه روسی به معنی آلات موسیقی چوبی،  
آلاتی که از چوب ساخته شده است.

**Instrumentı derevyanniye duxoviyе**  
اینسترومنتی درِویاننیه دوخُوییه  
واژه روسی به معنی آلات دمی (فوتی)  
ساخته شده از چوب

**Instrumentı duxoviyе**  
اینسترومنتی دوخُوییه  
واژه روسی به معنی آلات دمی (فوتی)

**Instrumentı klavişniye**  
اینسترومنتی کلایِشِنیه  
واژه روسی به معنی آلات موسیقی کلایوانی،  
آلات کلایِش‌دار

**Instrumentı dulçeviyе**

**Heksaxord** هِکسا خورد  
واژه یونانی hexa (شش) + chordos  
(سیم)

**Helikon** هِلِیکون  
واژه یونانی helix به معنی پیچ، پیچش،  
پیچیده، پیچ خورده

**Heptatonika** هِپتا تونیکا  
واژه یونانی hepta (هفت) + tonos (صدا)

**Heterofoniya** هِتِروفونیا  
واژه یونانی heteros (دیگر) + phone  
(صدا)

**Himn** هِیمن  
واژه یونانی hymnos به معنی آهنگ،  
مارش

**Homofoniya** هوموفونیا  
واژه یونانی homos (برابر) + phone (صدا)  
به معنی صدای هم تن و برابر

**Horn** هورن  
واژه آلمانی Horn (شاخ حیوان) به معنی  
شیپور

**İmitasiya** ایمیتاسیا  
واژه لاتینی imitatio به معنی تقلید

**İmprovizasiya** ایمپرو ویزاسیا  
واژه ایتالیایی improvisazione مأخوذ از  
واژه لاتینی improvisus به معنی غفلتاً،  
به یکباره، غیر منتظره



### اینسترومنتی دولچوییه

واژه روسی به معنی آلات موسیقی سوراخدار مثل فلوت و نی

### Instrumenti trostoviye

#### اینسترومنتی تروستووییه

واژه روسی به معنی آلات موسیقی دارای زبانه، ساخته شده از چوب نی مثل کلارنت، قابوی و زورنا

### Instrumenti udarno-klavishniye

#### اینسترومنتی اودارنو-کلاویشنییه

واژه روسی به معنی آلات موسیقی ضربی و کلاویایی

### Instrumenti medniye

#### اینسترومنتی مدنییه

واژه روسی به معنی آلات موسیقی ساخته شده از مس، آلات میسی

### Instrumenti muzikalniye

#### اینسترومنتی موزیکالنییه

واژه روسی به معنی آلات موسیقی

### Instrumenti struniye

#### اینسترومنتی استرونییه

واژه روسی به معنی آلات موسیقی سیمدار، آلات سیمی

### Instrumenti plektorniye

#### اینسترومنتی پلکتورنییه

واژه روسی به معنی آلات موسیقی مضراپدار، آلات میضرابی

### Instrumenti smičkoviye

#### اینسترومنتی سمیچکووییه

واژه روسی به معنی آلات موسیقی کماندار،

آلات کمانی مثل ویولون، کمانچه

### Instrumenti udarniye

#### اینسترومنتی اودارنییه

واژه روسی به معنی آلات موسیقی ضربی، آلات ضربی

### Instrumenti sopranoviye

#### اینسترومنتی سوپرانووییه

واژه روسی به معنی آلت موسیقی سوپرانو

### Instrumenti tenoroviye

#### اینسترومنتی تنورووییه

واژه روسی به معنی آلات موسیقی تنور

### Interval اینتروال

مأخوذ از واژه لاتینی intervallum به معنی مسافت، فاصله، فرق و تفاوت. لازم به توضیح است که این واژه در موسیقی آذربایجانی در انواع مختلف کاربرد دارد و انواع آن عبارتست از: اینتروالهای پایه، پارالل، ساده، پیچیده، افزایشی، کاهششی و کروماتیک

### İnterludiya اینترلودی

مأخوذ از واژه لاتینی inter (داخل، بین)+ ludus (نواختن، نواخت)

### İntermediya اینترمِدی

مأخوذ از واژه لاتینی inter (داخل، بین)+ mediae (مجلس، بزم)

### İntermesso اینترمِسسو

مأخوذ از واژه ایتالیایی intermezzo به معنی فاصله

**K****Kabaletta** کابالِتا

مأخوذ از واژه ایتالیایی cabalare به معنی من در آورده، از خود بافتن، از خود ساخته

**کاوال (قاوال)****Kaval (qaval)**

نام یکی از آلات موسیقی آذربایجانی. واژه بلغاری kaval، واژه آلبانی kaval و واژه رومی caval همگی مأخوذ از واژه ترکی kaval به معنی نی

**Kavatina** کاواتینا

مأخوذ از واژه ایتالیایی cavatina

**Kadans** کادانس

واژه فرانسوی cadence مشتق از واژه cadenza مأخوذ از واژه لاتینی cado به معنی «خاتمه پیدا می‌کنم»، «اتمام می‌یابم»، «پایان می‌پذیرم» که در موسیقی کلاسیک آذربایجانی انواع مختلف آن عبارتست از آوتنتیک، ناتمام، پلاگال، تمام یا کامل، نصف یا نیم، منقطع یا شکسته، ساده، آوتنتیک ساده، پلاگال ساده، پیچیده، پایان یافته و کادانس دروغین یا غیر حقیقی

**Kadensiya** کادِنسیا

مأخوذ از واژه ایتالیایی cadenza

**Kadril** کادریل

واژه فرانسوی quadrille مأخوذ از واژه اسپانیایی cuadrilla به معنی چهار نفر یا چهار نفره

**İnterpretatsiya** اینتِر پَر تاتسیا

مأخوذ از واژه لاتینی interpretatio به معنی شرح دادن، توضیح نمودن، تفسیر، ایضاح

**İntonasiya** اینتوناسیا

مأخوذ از واژه لاتینی intonare به معنی با صدای بلند خواندن، با صدای خیلی بلند صحبت کردن

**İntrada** اینترادا

مأخوذ از واژه ایتالیایی intrada و واژه اسپانیایی entrada به معنی درآمد

**İntroduksiya** اینتروودوکسیا

مأخوذ از واژه لاتینی introductio به معنی گذر، عبور، مدخل

**İyoniski lad** ایونیسکی لاد

واژه روسی به معنی مقام ایونیک

**İspolnitel** ایسپولنیتل

واژه روسی به معنی خواننده، ایفاگر، ایفاکننده

**İstoçnik zvuka****ایستوچنیک زووکا**

واژه روسی به معنی منبع صدا

**J****Janr** ژانر

واژه فرانسوی genre به معنی طرز، جنس، نوع، روش، سبک، اصول



**Kantata** کانتاتا

مأخوذ از واژه ایتالیایی cantata مشتق از واژه cantare به معنی خواندن، آواز سردادن، شروع به ایفا نمودن آواز

**Kantilena** کانتیلنا

مأخوذ از واژه ایتالیایی cantilena مشتق از واژه لاتینی cantilena به معنی خواندن آواز، غنا، تغنی

**Kantus firmus (c.f)**

کانتوس فیرموس

مأخوذ از واژه لاتینی cantus firmus به معنی ترانه ثابت و غیر تعویضی

**Kanson** کانسون

مأخوذ از واژه ایتالیایی canzone به معنی ترانه، آواز

**Kansonetta** کانسونتتا

مأخوذ از واژه ایتالیایی canzonetta به معنی آواز و ترانه کوچک، ترانه کوتاه و مختصر

**Kapella** کاپلا

مأخوذ از واژه ایتالیایی capella به معنی صومعه، دیر، خانقاه، معبد

**Kapelmeyster** کاپل میستر

واژه‌ای آلمانی Kapellemeister مأخوذ از واژه kapelle (کُر، ارکستر) + meister (استاد، رهبر) به معنی رهبر ارکستر، دیربزر

**kapriçço** کاپریچو

**Kakofoniya** کاکوفونیا

واژه یونانی - اسپانیایی مرکب از kakos + واژه یونانی phone (صدا)

**Kambiata** کامبیاتا

مأخوذ از واژه ایتالیایی cambiare به معنی تعویض نمودن، جابجا کردن

**Kamera muzika** کامرا موزیکا

موسیقی کامرایی مأخوذ از واژه لاتینی camera به معنی اتاق

**Kamerton** کامرتون

مأخوذ از واژه آلمانی kammer (اتاق) + ton (صدا)

**Kampanella** کامپانلا

مأخوذ از واژه ایتالیایی campanella به معنی زنگ و زنگوله

**Kanari** کاناری

مأخوذ از واژه فرانسوی canarie و واژه ایتالیایی canario

**Kankan** کانکان

مأخوذ از واژه فرانسوی cancan

**Kanon** کانون

واژه یونانی به معنی قاعده و قانون

**Kant** کانت

مأخوذ از واژه لاتینی cantus به معنی ترانه، آواز

**Kantabile** کانتابیله

مأخوذ از واژه ایتالیایی cantabile به معنی «با صدای روان و سلیس»



واژه ایتالیایی quartetto مأخوذ از واژه لاتینی quartus به معنی چهارم، چهارمین که در موسیقی آذربایجانی انواع مختلف آن عبارتند از وکال کوارتت، کوارتت سیمی، کوارتت فورته پیانو

**Kvartol** **کوارتول**

مأخوذ از واژه لاتینی quartus به معنی چهارم، چهارمین

**Kvinta** **کوینتا**

واژه لاتینی Quinta به معنی پنجم، پنجمین. در موسیقی کلاسیک آذربایجانی انواع آن عبارت است از: کوینتای افزایش یافته، کاهش یافته و خالص

**Kvintdesima** **کوینت دسیما**

واژه لاتینی quinta-decima به معنی پنجمی، پنجمین

**Kvintoviy krug**

**کوینتووی کروگ**

واژه روسی به معنی دایره کوینتا

**Kvintol** **کوینتول**

مأخوذ از واژه لاتینی quintus به معنی پنجم، پنجمین

**Klavesin** **کلاوسین**

مأخوذ از واژه فرانسوی clavecin و واژه لاتینی clavicymbalum

**Klaviatura** **کلاویاتورا**

واژه آلمانی klaviatur مأخوذ از واژه لاتینی clavis به معنی کلید، آچار

**کلاویکورد**

**Klavikord**

واژه ایتالیایی capriccio به معنی آرزوی آنی و موّقی، هوس، آرزو و هوس گذرا

**Kariyon** **کاریون**

مأخوذ از واژه فرانسوی carillon به معنی صدای زنگها

**Kastanyeta** **کاستانیتا**

واژه اسپانیایی castanetas مأخوذ از واژه لاتینی castanea به معنی شاهبلوط

**Kaçestvo intervala**

**کاچستوو اینتروال**

واژه روسی به معنی کیفیت اینتروال

**Kvarta** **کوارتا**

مأخوذ از واژه لاتینی quarta به معنی چهارم، چهارمین

**Kvarta uveličennaya**

**کوارتا اوولیچننایا**

واژه روسی به معنی کوارتای افزوده شده، کوارتای اضافه شده، کوارتای افزایش یافته

**Kvarta umenšennaya**

**کوارتا اومنشِننایا**

واژه روسی به معنی کوارتای کاهش یافته، کوارتای کاسته شده

**Kvarta čistaya**

**کوارتا چیستایا**

واژه روسی به معنی کوارتای خالص

**Kvart desima** **کوارت دسیما**

واژه لاتینی quarta decima به معنی چهاردهمین، چهاردهم

**Kvartet** **کوارتت**



واژه روسی به معنی کلید اسکریپکا

**Klyuč sopranovoy**  
کلید سوپرانووی

واژه روسی به معنی کلید سُپرانانا

**Klyuč tenoroviy**  
کلید تنوروی

واژه روسی به معنی کلید تنور

**Klučeviyе znaka**  
کلوچه‌وییه زناکا

واژه روسی به معنی علائم و اشارات کلیدی،  
اشارات کلید

**Koda** کُودا

واژه ایتالیایی coda مأخوذ از واژه لاتینی  
cauda به معنی دُم

**Kodetta** کودِتا

واژه‌ای ایتالیایی codetta

**Kolkol** کُولکُول

واژه روسی به معنی زنگ

**Kolokolčik** کولوکولچیک

واژه روسی به معنی زنگوله

**Koloratura** کولوراتورا

واژه ایتالیایی coloratura به معنی زینت،  
بزرک، آرایش

**Kolibelnaya(pesnya)**

کولیلینا(پسِنیا)

واژه روسی به معنی ترانه گهواره‌ای، لالایی،  
ترانه‌هایی که پای گهواره به هنگام لالایی  
خوانده می‌شود.

**Komičeskaya opera**

واژه مرکب لاتینی - یونانی. واژه  
لاتینی clavis (آچار، کلید) + واژه یونانی  
chorde (سیم)

**Klavir** کلاویر

واژه ای آلمانی Klavier

**Klaviraussug**  
کلاویرا اوسسوغ

واژه‌ای آلمانی Klavierauszug

**Klavış** کلاویش

واژه لهستانی klawisz مأخوذ از واژه  
لاتینی clavis به معنی آچار

**Klapan** کلاپان

مأخوذ از واژه آلمانی klappe به معنی درپوش

**Klarnet** کلارنت

نام یکی از آلات موسیقی.

مأخوذ از واژه لاتینی claruc (صدای واضح  
و روشن) و واژه ایتالیایی clarinetto

**klyuč** کلید

واژه روسی به معنی آچار، کلید

**Klyuč altoviy** کلید آلتووی

واژه روسی به معنی کلید زیرین، کلید  
تحتانی، کلید پایین

**Klyuč baritonoviy**

کلید باریتونوی

واژه روسی به معنی کلید باریتون

**Klyuč basoviy** کلید باسووی

واژه روسی به معنی کلید باس

**Klyuč skripičniy**

کلید اسکریپچنی



واژه انگلیسی contry-dance که معنی آن رقص روستایی است.

**Kontr oktava** کُنتر اُوکتاوا

واژه لاتینی contra (مقابل، مخالف) + اُوکتاوا

**Kontr ekspozisiya**

کُنتر اِکسپوزیسیا

واژه لاتینی contro (مخالف، مقابل) + ekspozisiya مجموعاً به معنی اکسپوزیسیای معکوس، اکسپوزیسیای مخالف

**Konsert** کُنسرت

واژه لاتینی concertare (مسابقه، رقابت) و واژه ایتالیایی concerto به معنی هماهنگی، آهنگ

**Konsertina** کُنسرتینا

واژه انگلیسی concertina به معنی فارمون انگلیسی

**Konsertino** کُنسرتینو

واژه ای ایتالیایی concertino

**Konsertmeyster**

کُنسرت میسِتر

واژه آلمانی Konzertmeister

**Koncerto grosso**

کُنچرتو گروسو

واژه ایتالیایی concerto grosso به معنی

کنسرت بزرگ

**Kordeballet** کُرده بالِت

کومیچسکایا اپِرا

واژه روسی به معنی اپرای کُمیک

**Komma** کُوما

واژه یونانی komma به معنی جزئی، یک پارچه کوچک، یک جزء کوچک، لحظه‌ای کوتاه از یک زمان و وقت کوتاه و محدود

**Kampazitor** کامپازیتور

واژه لاتینی compositor به معنی مؤلف، ترتیب دهنده، آهنگ‌ساز، نویسنده آهنگ

**Kampazisiya** کامپازسییا

واژه لاتینی compositio به معنی ترتیب، اثر

**Konsonans** کونسونانس

واژه فرانسوی consonance به معنی همساز به صدا درآمدن

**Kontrabas** کُنتراباس

نام یکی از آلات موسیقی مأخوذ از واژه ایتالیایی contrabasso

**Kontralt** کُنترالت

واژه ایتالیایی contralto

**Kontrapunkt** کُنتراپونکت

واژه آلمانی kontrapunkt مأخوذ از واژه لاتینی punctum contra punctum که معنی لغوی و حرف به حرف آن نقطه مقابل نقطه) می شود.

**Kontra fagot** کُنترافاگوت

واژه ایتالیایی با نوشتار contrafagotto

**Kontrdans** کُنتردانس



**L****Labialniye** لابیالنیه

واژه روسی به معنی آلات موسیقی لبی مثل فلوت

**Lad** لاد

واژه روسی به معنی ۱- مقام ۲- پرده (در آلات موسیقی سیمی مثل تار). لاد به معنی مقام در موسیقی آذربایجانی انواع مختلفی دارد که به مقام هیبوفریگیا، مقام ایونیک (ناتورال ماژور)، مقام لیدیا، مقام لوکریک، مقام میکسولیدیا، مقام فریگیا و مقام ائولیک (ناتورال مینور) مشهور هستند.

**Ladovaya alteratsiya****لادوویا آلتراسیا**

واژه روسی به معنی آلتراسیای مقام

**Ladovaya madulyatsiya****لادوویا مادولیاتیسیا**

واژه روسی به معنی مادولیاسیای مقام (انتقال)

**Legkaya muzika****لگکایا موزیکا**

واژه روسی به معنی موسیقی آسان و سبک

**Leytmotiv** لیتموتیو

واژه لاتینی leitmotiv به معنی مجری موتیو، اجراکننده موتیو

**لیبرتو****Libretto**

واژه ایتالیایی libretto به معنی کتابچه

**Liga** لیگا

مأخوذ از واژه فرانسوی corps de ballet که corps به معنی هیئت شخصی، هیئت خصوصی و ballet به معنی بالت می‌باشد

**Kornet** کُرنِت

واژه فرانسوی cornet مأخوذ از واژه لاتینی cornu به معنی شاخ

**Korpus** کورپوس

واژه روسی به معنی کاسه

**Kron** کرون

واژه آلمانی krone به معنی تاج، رأس، قلّه

**Ksilofon** کسیلوفون

واژه یونانی phone + xylon (صدا)

**Kulis** کولیس

واژه فرانسوی coulisse (گودی، فرورفتگی) و واژه acoulisse (از هم باز شده، از هم فاصله یافته)

**Kulminasiya** کولمیناسیا

مأخوذ از واژه لاتینی culmen به معنی رأس، قلّه، نوک بلندی

**Kuplet** کوپلت

واژه فرانسوی couplet به معنی بند، یک بند از نوشته‌ای یا شعری

**Kupur** کوپور

واژه فرانسوی coupure (اختصار، کوتاه شده) مأخوذ از واژه couper به معنی بریدن، قطع کردن و کوتاه نمودن



واژه ایتالیایی *liga* (رابطه، ارتباط) مأخوذ از واژه لاتینی *ligare* به معنی بند نمودن، وصل کردن، به هم بستن

**لیگاتورا** *Ligatura*

واژه‌ای آلمانی *Ligatur*

**لینه آریزم** *Linearizm*

واژه لاتینی *linearis* به معنی ویژه‌ی خط، مخصوص به خط

**لینه آر** *Linear*

مأخوذ از واژه لاتینی *linea* به معنی «خط»

**لینیکا** *Lineyka*

واژه روسی مأخوذ از واژه لاتینی *linea* به معنی «خط»

**لینینایا سیستم** *Lineynaya sistema*

واژه روسی به معنی سیستم خط

**لیرا** *Lira*

واژه ای یونانی *lyra*

**لیریچسکی** *Liriçeskiy*

واژه روسی به معنی لیریک، عاشقانه، رمانتیک

**لیتاور** *Litavri*

شکل جمع لیتاورا. واژه‌های یونانی *poly* (زیاد، کثیر) + *taurea* (پوست طبل)

**لیتورگیا** *Liturgiya*

واژه‌ای یونانی *leiturgia*

**لومباردسکی ریتم** *Lombardskiy ritm*

لومباردسکی ریتم

واژه روسی به معنی ریتم لومباردی

**لوتنیا**

**Lutnya**

واژه روسی به معنی ساز «عود»

**لوفت پائوزا (پائوزا)** *Luft pauza*

واژه‌ای آلمانی *luftpause* به معنی پائوزای هوا

**M**

**ماگنیٹافون** *Magnitafon*

دستگاه ضبط صوت

واژه‌ای یونانی *magnit* (مغناطیس) + *phone* (صدا) به معنی ضبط مغناطیسی صدا

**مادریگال** *Madrigal*

واژه ایتالیایی *madrigale* مأخوذ از واژه لاتینی *matricale* به معنی ترانه و آوازی که در زبان مادری خوانده و ایفا شود، ترانه‌ای که به زبان مادری اجرا شود

**ماژور** *Major*

واژه ایتالیایی *maggiore* و واژه فرانسوی *majeur* هر دو مأخوذ از واژه لاتینی *major* به معنی بزرگ، کبیر که انواع مختلف آن در موسیقی آذربایجانی عبارتست از هارمونیک، ملودیک و ناتورال

**ماژور قارمونیچسکوی** *Major qarmoniçeskiy*

ماژور قارمونیچسکوی

واژه روسی به معنی ماژور هارمونیک

**Major melodiçeskiy**



واژه ی فرانسوی marche به معنی یورش،

حرکت، هجوم

### Massovaya pesnya

ماسسوویا پسنیا

واژه روسی به معنی ترانه مردمی، ترانه

خلقی، ترانه ملی (خالق ماهنیسی)

### Medianta

مِدیانتا

مأخوذ از واژه لاتینی media به معنی وسط،

اوسط، میانه، میانی

### Mediator

مِدیاتور

واژه لاتینی mediator (واسطه، میانجی) به

معنی مضراب

### Medium

مِدیوم

مأخوذ از واژه لاتینی medius (میانسه،

وسط) به معنی پست خوان، زیرخوان

### Medniye instrumenti

مِدنییه اینسترومنتی

واژه روسی به معنی آلات موسیقی مسی،

آلات ساخته شده از مس

### Melizm

مِلیزم

مأخوذ از واژه یونانی melismos به معنی

اجرای آواز منطبق بر اصولی خاص و ویژه

### Melodeklamsiya

مِلودِ کلاماسیا

مأخوذ از واژه یونانی melos (ترانه) + واژه

لاتینی declamatio (دِکلاماسیا، ساختن)

### Melodika

مِلودیکا

### ماژور ملودیچسکی

واژه روسی به معنی ماژور ملودیک

### Major naturalny

ماژور ناتورالنی

واژه روسی به معنی ماژور ناتورال

### Majornaya qamma

ماژورنایا قامما

واژه روسی به معنی گام ماژور

### Majorno-minornaya sistema

ماژورنو - مینورنایا سیستم

واژه مرکب روسی به معنی سیستم ماژور -

مینور مقامها

### Majorniy stroy

ماژورنی استروی

واژه روسی به معنی کوک ماژور

### Mazurka

مازورکا

واژه‌ای لهستانی. mazur

### Malaya oktava

مالایا اوکتاوا

واژه روسی به معنی اوکتاو کوچک

### Maly simfoniçeskiy orkestr

مالی سیمفونیچسکی ارکستر

ارکستر کوچک سمفونی، ارکستر سمفونی

کم تعداد و کوچک

### Mandolina

ماندولینا

واژه ایتالیایی mandolino مأخوذ از شکل

اختصار یافته واژه mondola

### Marş

مارش



واژه فرانسوی messa مأخوذ از واژه لاتینی  
missa

**Metallofon** **مِتال لوفون**

واژه لاتینی metallum (متال، فلز) + واژه  
یونانی phone (صدا، آوا)

**Metr** **مِتر**

مأخوذ از واژه یونانی metron (اندازه)

**Metrika** **مِتریکا**

واژه یونانی metrike مأخوذ از واژه metron  
(وزن، اندازه) به معنی مبحث وزن موسیقی

**Metronom** **مِترونوم**

واژه یونانی metron (اندازه، وزن) +  
nomos (قانون، قاعده) به معنی قانون وزن

**Messo-soprano**

**مِسسو سوپرانو**

واژه ایتالیایی mezzo-soprano مأخوذ از  
واژه mezzo (وسط، میانه)

**Mikst** **میکست**

واژه لاتینی mixtus به معنی مخلوط،  
درهم، مختلف، درهم و برهم

**Miniatür** **مینیاتور**

واژه فرانسوی miniature و واژه ایتالیایی  
miniatura هر دو مأخوذ از واژه لاتینی  
minium

**Minor** **مینور**

واژه فرانسوی mineur مأخوذ از واژه  
لاتینی minor به معنی خیلی کوچک

**Minor qarmoniçeskiy**

**مینور قارمونیچسکی**

واژه روسی به معنی مینور هارمونیک

مأخوذ از واژه یونانی melodikos به معنی  
چیزی که با ملودی نسبتی دارد، نسبتی با  
ملودی داشتن، موسیقایی

**Melodiya** **ملودیا**

واژه یونانی melodia به معنی ترانه، آهنگ

**Melodram** **ملودرام**

واژه یونانی drama + melos به معنی  
آهنگ و ترانه غم انگیز

**Melopeya** **ملوپیا**

واژه یونانی melopia به معنی ایجاد و  
ساختن ترانه، ساخت آثار آهنگدار و ترانه

**Melos** **مِلوس**

واژه یونانی melos به معنی ترانه، آواز  
آهنگدار

**Membranofon** **مِمبرانوفون**

مرکب از دو واژه لاتینی membrana  
(پرده گوش) + واژه یونانی phone (صدا،  
آواز)

**Menestrel** **مِنسترل**

واژه فرانسوی menestrel مأخوذ از واژه  
لاتینی ministerialis به معنی خدمت  
کننده، سرویس دهنده، خدمتگذار

**Menzura** **مِنزورا**

واژه لاتینی mensura به معنی وزن، اندازه

**Menuet** **مِنوئت**

واژه فرانسوی menuet مأخوذ از واژه  
menu به معنی کوچک، ریز

**Messa** **مِسا**



واژه یونانی monos (تک، واحد، منفرد)  
+thema (جمله، افاده)

**Monoxord** **مُونُوخورد**

واژه یونانی monos (یک) + chorde (سیم)  
به معنی یک سیمه، تک سیمه

**Mordent** **مُورِدِنْت**

واژه ایتالیایی mordente به معنی تیز،  
گازگیرنده

**Mordent verxniy**  
**مُورِدِنْت وِرَخْنِی**

واژه روسی به معنی موردنت فوقانی (بالائی)  
بدون خط

**Mordent nijniy**  
**موردنت نیژنی**

واژه روسی به معنی موردنت زیرین یا  
تحتانی خط دار

**Mordent dvoynoy**  
**موردنت دووی نُوی**

واژه روسی به معنی موردنت دو طبقه

**Motet** **مُوتِت**

واژه فرانسوی motet مأخوذ از واژه mot  
به معنی سخن، کلام

**Motiv** **موتیو**

واژه آلمانی Motive مأخوذ از واژه لاتینی  
moveo به معنی «به حرکت درمی آورم»

**Motivnaya razrabotka**  
**موتیونایا رازرابوتکا**

واژه روسی به معنی کاربرد موتیو

**Muzika atonalnaya**  
**موزیکا آتونالنایا**

**Minor melodičeskiy**

**مینور ملودیچسکی**

واژه روسی به معنی مینور ملودیک

**Minor naturalniy**

**مینور ناتورالنئی**

واژه روسی به معنی مینور ناتورال

**Minornaya qamma**

**مینورنایا قامما**

واژه روسی به معنی گام مینور

**Minorniy stroy**

**مینورنی استروئی**

واژه روسی به معنی کوک مینور

**Mnoqa qalosiye**

**مِنُوکا قالوسیه**

واژه روسی به معنی کثیرالصدائی، کثیرالصدایا بودن

**Moderator** **مُدِرَاتُور**

واژه لاتینی moderator به معنی محدود  
کننده، مانع، سدکننده

**Moduliasiya** **مُدولیاسیا**

مأخوذ از واژه لاتینی modulatio (توزین  
کردن، اندازه کردن) به معنی انتقال که در  
موسیقی آذربایجانی انواع مختلف آن  
عبارت است از: غافل، دیاتونیک، مقام،  
ملودیک، کروماتیک، ملودیک، پایان نیافته  
یا ناتمام، واسطه یا میانی، تونال و مُدولیاسیای  
این هارمونیک

**Monodia** **مُونودیایا**

واژه‌ای یونانی . monodia

**Mono tematizm**

**مُونو تِمَاتِیزِم**



واژه روسی در سه معنی ۱- مکتوبات  
موسیقی ۲- آثار موسیقی ۳- ادبیات موسیقی

### **Muzikalnaya nauka**

موزیکالنا یا نائوکا

واژه روسی به معنی علم موسیقی

### **Muzikalnaya paleografiya**

موزیکالنا یا پالتوگرافیا

پالتوگرافیای موسیقی. واژه روسی مأخوذ از  
واژه یونانی palaios (قدیم، باستان) + گرافو  
grapho (می نویسم)

### **Muzikalnaya pramišlennast**

موزیکالنا یا پرامیشلیناست

واژه روسی به معنی صنایع موسیقی، صنعت  
موسیقی

### **Muzikalnaya psixologiya**

موزیکالنا یا پسیکولوگیا

واژه روسی به معنی روانشناسی موسیقی

### **Muzikalnaya folkloristika**

موزیکالنا یا فولکلوربستیکا

واژه روسی به معنی علم فولکلور موسیقی

### **Muzikalnaya forma**

موزیکالنا یا فورما

واژه روسی به معنی شکل و فرم موسیقی

### **Muzikalnaya škatulka**

موزیکالنا یا شکاتولکا

واژه روسی به معنی مجری موسیقی

### **Muzikalnaya škola**

موزیکالنا یا شکولا

واژه روسی به معنی مدرسه موسیقی

واژه یونانی a (علامت نفی) + تونال tonal .  
موسیقی آتونال

### **Muzika vokalnaya**

موزیکا ووکالنا یا

موسیقی وکال. واژه فرانسوی vocal مأخوذ  
از واژه لاتینی vocalis (به خاطر صدا)

### **Muzika instrumentalnaya**

موزیکا اینسترومنتالنا یا

موسیقی اینسترومنتال. مأخوذ از واژه لاتینی  
instrumentalis

### **Muzika kamernaya**

موزیکا کامرنا یا

موسیقی کامرایی. مأخوذ از واژه لاتینی  
camera (اتاق، قُبّه، عمارت)

### **Muzikalnaya akustika**

موزیکالنا یا آکوستیکا

آکوستیکای موسیقی. مأخوذ از واژه یونانی  
akustikos (ویژه شنیدن)

### **Muzikalnaya gramota**

موزیکالنا یا گراموتا

واژه روسی به معنی سواد موسیقی

### **Muzikalnaya drama**

موزیکالنا یا دراما

واژه روسی به معنی درام موسیقی دار

### **Muzikalnaya komediya**

موزیکالنا یا کُمِدیَا

واژه روسی به معنی کمدی موسیقی دار

### **Muzikalnaya literatura**

موزیکالنا یا لیتراتورا



**موزیکالنايه تِچنیه**

واژه روسی به معنی جریان موسیقی، روند موسیقی

**Muzikalny priyem**

**موزیکالنی پرییم**

واژه روسی به معنی اصول و روش موسیقی

**Muzikalny stil**

**موزیکالنی استیل**

واژه روسی به معنی اسلوب موسیقی، استیل موسیقی

**Muzikalny yazık**

**موزیکالنی یازیک**

واژه روسی به معنی زبان موسیقی

**Muzikalniye instrumentı**

**موزیکالنیه اینسترومنتی**

واژه روسی به معنی آلات موسیقی

**Muzikalniye konkursı**

**موزیکالنیه کنکورسی**

واژه روسی به معنی مسابقات موسیقی

**Muzikalny diktant**

**موزیکالنی دیکتانت**

واژه روسی به معنی املاء موسیقی

**Muzikalny zvuk**

**موزیکالنی زووک**

واژه روسی به معنی صدای موسیقی

**Muzikalny kalendar**

**موزیکالنی کالندار**

واژه روسی به معنی تقویم موسیقی

**Muzikalny yaşık**

**موزیکالنی یاشیک**

**Muzikalnaye ispolneniye**

**موزیکالنايه ایسپولنه‌نییه**

واژه روسی به معنی ایفای موسیقی، اجرای موسیقی

**Muzikalnaye naslediye**

**موزیکالنايه ناسله‌دییه**

واژه روسی به معنی ارث موسیقی، یادگارهای موسیقی، آثار به جا مانده از موسیقی

**Muzikalnaye obrazovaniye**

**موزیکالنايه اُبرازووانیه**

واژه روسی به معنی تحصیلات موسیقی، تحصیل موسیقی

**Muzikalnaye obşestvo**

**موزیکالنايه اُیشستوو**

واژه روسی به معنی جمعیت موسیقی

**Muzikalnaye aformleniye**

**موزیکالنايه آفورملنییه**

واژه روسی به معنی ترتیبات موسیقی

**Muzikalnaye proizvedeniye**

**موزیکالنايه پروئیزودنییه**

واژه روسی به معنی اثر موسیقی

**Muzikalnaye tvorçestvo**

**موزیکالنايه تُوُرچستوو**

واژه روسی به معنی آثار موسیقی، خلق آثار موسیقی

**Muzikalnaye teçeniye**

**Narodnaya muzıka****نارودنایا موزیکا**

واژه روسی به معنی موسیقی ملی، موسیقی خلقی

**Narodnaya pesnya****نارودنایا پسنیا**

واژه روسی به معنی ترانه ملی، ترانه مردمی

**Narodnaya muzıkalniye instrumentı****نارودنیه موزیکالنییه اینسترومنتی**

واژه روسی به معنی آلات موسیقی ملی

**Narodniye tantısı****نارودنیه تانتسی**

واژه روسی به معنی رقصهای ملی، رقصهای مردمی

**Naturalnaya stupen****ناتورالنایا استوپن**

واژه روسی به معنی پرده عادی و طبیعی، پرده معمولی

**Naturalniye ladı****ناتورالنییه لادی**

واژه روسی به معنی مقامهای طبیعی و معمولی

**Naturalniye instrumentı****ناتورالنییه اینسترومنتی**

واژه روسی به معنی آلات موسیقی عادی و طبیعی

**Naturalniye flajoletı****ناتورالنییه فلاژلتی**

واژه روسی به معنی فلاژلت‌های طبیعی

**Naturalniy major**

واژه روسی به معنی جعبه موسیقی، قوطی موسیقی

**موزیکانت****Muzıkant**

واژه روسی به معنی موسیقیچی، کسی که سر و کارش با موسیقی است، نوازنده، هنرمند موسیقی

**موزیکوود****Muzıkoved**

واژه روسی به معنی موسیقی شناس

**Muzıko znaniye****موزیکو زنائیه**

واژه روسی به معنی موسیقی شناس

**Mundštuk****موندشتوک**

موشتوک. واژه آلمانی mundstück مأخوذ از واژه mund (دهان) + stuck (قسمت، حصه)

**Muzıkalniy folklor****موزیکالنی فولکلور**

فولکلور موسیقی

**N****Naigrıř****نائیگریش**

واژه روسی به معنی «رنگ»

**Napev****ناپو**

واژه روسی به معنی ترانه

**Napevanie****ناپوانیه**

واژه روسی به معنی زمزمه





واژه روسی به معنی پرده‌های غیر ثابت مقام

**Nijniy qolos** نیژنی قُولوس

واژه روسی به معنی صدای پایین

**Nijniy tetraxord**

نیژنی تِتراخورد

واژه روسی به معنی تتراکورد زیر: تتراکورد

پایین

**Nijnnyaya tonika**

نیژنیا یا تُونیکا

واژه روسی به معنی تونیکای پایین، تونیکای

زیر

**Nitka, nitochka** نیتکا، نیتوچکا

واژه روسی به معنی خط

**Novelletta** نُوولیتتا

واژه ایتالیایی novletta به معنی حکایت و

روایت کوتاه، حکایه کوچک

**Novemol** نوومول

مآخوذ از واژه لاتینی novem به معنی

نه (۹)

**Nokturn** نوکتورن

واژه‌ای فرانسوی nocturne که معنای

حرفی و لغوی آن «شب» است

**Nona** نونا

واژه‌ای لاتینی. nona به معنی نهمی، نهمین

**Nota** نُوتا

فرم روسی واژه نُوت»

**Nota vosmaya** نُوتا وُسمایا

واژه روسی به معنی هشتمین نُت

**Nota vospomoqatelnaya**

ناتورالی مازور

واژه روسی به معنی مازور طبیعی و عادی.

مازور معمولی

**Naturalniy minor**

ناتورالی مینور

واژه روسی به معنی مینور طبیعی، مینور

معمولی و عادی

**Neakkordoviye toni**

نی آککوردُویه تونی

واژه روسی به معنی نُت‌های خارج از آکورد

**Nepolniy sekstakkord**

نی پُولنی سِکستاکورد

واژه روسی به معنی سِکستاکورد ناتمام

**Nepolniy takt**

نی پُولنی تاکت

واژه روسی به معنی تاکت ناتمام، خانه

ناتمام

**Nesimetričniye takti**

نی سِیمتریچنییه تاکتی

واژه روسی به معنی تاکتهای غیر متناسب،

خانه‌های غیر متناسب

**Nesovershennaya**

مودولیاتیسیا

نی سُوَرشِنایا مُدولیاتیسیا

واژه روسی به معنی مُدولیاسیای ناتمام و

غیر کامل

**Neustoyçiviye stupeni**

لادا

نی اوستوی چیوییه استوپنی لادا



### نُوتا وُسپومُوقَاتِلنایا

واژه روسی به معنی نُتِ کمکی

### نُوتا دوینایا Nota dvoynaya

واژه روسی به معنی  $\Lambda$  جفت نت، نت دوتایی، نت جفت

### نُوتا پالاویننایا Nota palavinnaya

واژه روسی به معنی نصف نت، نیم نت

### نُوتا پروخودیاشچایا Nota proxodyaşçaya

واژه روسی به معنی نت میانی، نت میانه

### نُوتا چتورتنایا Nota četvertnaya

واژه روسی به معنی نت چارک، نت  $\frac{1}{4}$

### نُوتنویه پیسمو Notnoe pismo

واژه روسی به معنی نت نویسی

### نُوتنیی اِستان Notniy stan

واژه روسی به معنی سطرهای نت، سطور نت بر روی کاغذ

## O

### اُبرتُن Oberton

واژه آلمانی oberton مرکب از دو واژه ober (بالا) + ton

### اُبلِگاتُو Obligato

واژه لاتینی obligatus به معنی قطعی، مطلق، محقق، ضروری

### اُبوژناچِنیه bukvennoe

### اُبوژناچِنیه بوکونُویه

واژه روسی به معنی اشارات حرفی، اسمهای حرفی

### اُبرابُوتکا Obrabotka

واژه روسی به معنی آهنگسازی

### اُبراشِنیه آکُوردا Obraşenie akkorda

واژه روسی به معنی برگشت آکورد

### اُبراشِنیه اینترِوالا Obraşenie intervala

واژه روسی به معنی برگشت اینتروال

### اُبشیی آکُورد Obsiy okkord

واژه روسی به معنی آکورد مشترک

### اُدا Oda

واژه یونانی ode (نغمه) که در موسیقی آذربایجانی به معنی «مدحیه» کاربرد دارد

### اُدُنو قُولوسیه Odnogolosie

واژه روسی به معنی تک صدایی، یک صدایی

### اُدنورُودنیه قُولوسا Odnorodnie qolosa

واژه روسی به معنی صداهاى همجنس و همنوع

### اُدنورُودنی خُور Odnorodniy xor

واژه روسی به معنی  $\Lambda$  کُر یک جنس»

### اُدُنوچاستنویه پروئیزُودِنیه Odnočastnoe proizvedenie

اُدُنوچاستنویه پروئیزُودِنیه



واژه ایتالیایی operetta که فرم فرانسوی آن operette بوده و معنی حرفی آن اپرای کوچک می باشد

### Opus آپوس

واژه لاتینی به معنی ۸ اثر»

### Oratoriya ارآتوریا

واژه لاتینی به معنی بلاغت سخن، نطق و بیان، سخنوری

### Orqan ارقان

فرم روسی نام یکی از آلات موسیقی به نام «ارغنون» که واژه‌ای است یونانی organon

### Organny punkt ارقانینی پونکت

واژه روسی به معنی نت دمساز، پدال

### Orkestr ارکستر

واژه یونانی Orchestra که در زمانهای باستان به محوطهٔ مقابل صحنه تئاتر یونان قدیم اطلاق می شد

### Osnovnie instrumenti اَسْونوونیه اینسترومنتی

واژه روسی به معنی آلات اساسی واصلی موسیقی

### Orkestr narodnix instrumentov ارکستر نارودنیک اینسترومنتوو

واژه روسی به معنی ارکستر آلات موسیقی ملی، ارکستر آلات ملی

### Orkestr roqovoy ارکستر رُقووی

واژه روسی به معنی ارکستر شیپور

واژه روسی به معنی اثر یک بخشی، اثر یک قسمتی، اثری که از یک بخش و یک حصه تشکیل یافته است

### Oktava اکتاوا

واژه لاتینی octava به معنی هشتمین

### Oktava bolşaya اکتاوا بُولشایا

واژه روسی به معنی اکتاو بزرگ

### Oktava vtoraya اکتاوا وُتورایا

واژه روسی به معنی اکتاو دوم، دومین اکتاو

### Oktava malaya اکتاوا مالایا

واژه روسی به معنی اکتاو کوچک

### Oktava pervaya اکتاوا پِروایا

واژه روسی به معنی اولین اکتاو، اکتاو اول

### Oktet اکتیت

واژه ایتالیائی octetto مأخوذ از واژه لاتینی octo به معنی هشت (۸)

### Oktol اکتُل

واژه لاتینی octo به معنی هشت (۸)

### اُپِرا

### Opera

واژه ایتالیایی opera به معنی «اثر» مأخوذ از واژه لاتینی opera به مفهوم زحمت، نتیجه رنج و زحمت و تلاش

### Operetta اُپِرتا



### Otverstie اُتورستییه

واژه روسی به معنی سوراخ دم، سوراخ دمی، سوراخی که جهت دمیدن تعبیه شده

### اُتوت

#### Otvet

واژه روسی به معنی «جواب»، «پاسخ»

### Otklonenie اُتکلونیه

واژه روسی به معنی انحراف

### Otkritaya struna اُتکریتایا استرونا

واژه روسی به معنی سیم شُل

### Ofikleid اُفیکلئید

واژه یونانی ophi (مار) + cleid

## P

### Paltsi پالتسی

واژه روسی به معنی انگشتان

### Parallelizm پاراللیزم

موازی بودن، توازن. واژه یونانی parallelismos که معنای حرفی آن «در کنار ایستاده»، «به موازات ایستاده» می‌باشد

### Parallelnoe qolosovedenie پاراللنویه قُولوسوودنییه

واژه روسی به معنی حرکت موازی صدا

### Parallelnie intervali پاراللنیه اینتروالی

واژه روسی به معنی اینتروالهای موازی

### Parallelnie tonalnosti پاراللنیه تونالنوستی

واژه روسی به معنی اینتروالهای موازی

### Orkestr salonniy ارکستر سالنی

واژه روسی به معنی ارکستر سالنی، ارکستر تالاری

### Orkestr strunny ارکستر استرونی

واژه روسی به معنی ارکستر آلات سیمی

### Orkestr estradnyy ارکستر اِسترادنی

واژه روسی به معنی ارکستر استرادا

### Orkestrovka ارکستروکا

واژه روسی به معنی ارکستر نمودن، ارکستر نمودن، به فرم و شکل ارکستر درآوردن

### Orkestrovie qolosa ارکستروویه قُولوسا

واژه روسی به معنی صداهای ارکستر

### Ornamentika ارنامنتیکا

واژه لاتینی ornamentum به معنی بزک، زینت

### Osnovanie intervala اوسنووانییه اینتروالا

واژه مرکب روسی به معنی نشستگاه اینتروال، جایگاه اینتروال

### Osnovnoy ton اُسنووونوی تون

واژه روسی به معنی تون اساسی، تون اصلی

### Ostinato اُستیناتو

واژه ایتالیایی ostinato به معنی عنادکار، لجوج



واژه روسی به معنی تونالیت‌های موازی

### پارافرازا Parafraza

واژه یونانی paraphrasis به معنی حکایت، تصویر

### پاراتیتورا Partitura

واژه ایتالیایی partitura که معنای حرفی آن تقسیم نمودن و سهم‌بندی نمودن است

### پارتیا Partiya

مأخوذ از واژه لاتینی pars به معنی حصّه، قسمت، بخش

### پارتیا قلاونایا Partiya qlavnaya

واژه روسی به معنی قسمت اصلی، قسمت و بخش عمده و اساسی

### پارتیا پوبوچنایا Partiya pobochnaya

واژه روسی به معنی قسمت دوم، بخش دیگر، حصّه دوم

### پارچیانیه تونی Parčialne toni

تُن‌های معین و معلوم. فرم روسی واژه یونانی partialis به معنی اندازه معین، به قدر معین

### پاسساژ (پاساژ) Passaj

واژه‌ای فرانسوی passage که معنای حرفی آن گذر، معبر و عبور می‌باشد

### پاسساکالیا Passakalya

واژه ایتالیایی passacaglia، واژه اسپانیایی

pasacalle مأخوذ از واژه pasar (عبور، رد

شدن) + calle (کوچه)

### پاستیچو Pasticço

واژه ایتالیایی pasticcio که معنای مجازی آن مخلوط و درهم می‌باشد.

### پاستورال Pastoral

واژه ایتالیایی pastorale مأخوذ از واژه لاتینی pastoralis به معنی چوپانی و چوپانگونه

### پاستورل Pasturel

واژه فرانسوی pastourelle به معنی دختر چوپان (دختری که چوپانی می‌کند)

### پاستوشی رُژک Pastuši rojok

واژه روسی به معنی نی چوپان

### پائوزا Pauza

واژه یونانی pausis به معنی توقف، بریدن و قطع نمودن که در موسیقی آذربایجانی انواع آن عبارتند از وُسمایا (هشت‌گانه)، گِیرالتایا (عمومی)، پالوینایا (نیم پائوزا یا ایست و توقف نصفه و نیمه)، چتورتنایا (چارک یا 1/4) و چلایا (پائوزای تمام و کامل یعنی ایست و توقف کامل)

### پدال Pedal

واژه لاتینی pedalis به معنی ویژه پا، از برای پا، مخصوص پا

### پنیه Penie



واژه روسی به معنی مقام تعویضی، مقام تعویض شده

**perexod** **پِرِخود**

واژه روسی به معنی عبور، گذشتن، رد شدن

**Pereçene** **پِرِچَنِیه**

واژه روسی به معنی ضربدری

**Period** **پِرِیود**

واژه یونانی periodos به معنی چرخ زدن، دوره نمودن، دوره کردن که در موسیقی آذربایجانی به معنی «بُند» به کار برده می‌شود.

**Perpetuum mobile**

**پِرِپِتوئوم موبِیلِه**

واژه یونانی که معنی حرفی آن حرکت لاینقطع، حرکت مداوم و پیوسته می‌باشد

**Pesennik** **پِسِنِنِیک**

واژه روسی به معنی ۱- مجموعه ترانه‌ها  
۲- سراینده، خواننده ۳- مؤلف و نویسنده شعر ترانه

**Pesnya** **پِسِنِیا**

واژه روسی به معنی ترانه و نغمه

**Pesnya bez slov**

**پِسِنِیا بَز سلوو**

واژه روسی به معنی ترانه بدون شعر و سخن

**Piano** **پِیانینو**

پیانوی کوچک. واژه‌ای ایتالیایی piano. پیانینو شکل اختصار یافته واژه piano forte به معنی پیانوی کوچک می‌باشد.

**Pianissimo** **پِیانِیسِسیمو**

واژه روسی به معنی خوانندگی، غناء، آواز و ترانه خواندن، نغمه سرایی

**Pentaton** **پِنْتاتون**

واژه یونانی pente (پنج) + tonos (تن)

**Pentaxord** **پِنْتاخورد**

واژه‌ای یونانی pente (پنج) + chorde (سیم)

**Pervaya qarmoniya**

**پِرِوایا قارمونیا**

واژه روسی به معنی هارمونی اول، اولین هارمونی

**Pervaya skripka**

**پِرِوایا اسکرپیکا**

واژه روسی به معنی اولین اسکرپیکا

**Pereduvanie** **پِرِدووانیه**

واژه روسی به معنی بیش از حد و اندازه فوت کردن

**Perelojenie** **پِرِلوژنیه**

واژه روسی به معنی آهنگسازی، ساختن آهنگ

**Peremena ključevix znakov**

**پِرِمِنَا کلوچویخ زناکوف**

واژه روسی به معنی تعویض کلیدهای موسیقی

**Peremennie funktsi**

**پِرِمِنِیه فونکتسی**

واژه روسی به معنی فونکسیاهای تعویضی، فونکسیاهای قابل تعویض

**Peremenny lad** **پِرِمِنِی لاد**



**Plektr** پلکتر

واژه یونانی plektron به معنی مضراب

**Pobočnaya partiya**

پوبوچنایا پارتیا

واژه روسی به معنی قسمت و بخشی دیگر،  
قسمت دوم

**Pobočnaya tema**

پوبوچنایا تما

واژه روسی به معنی تم دیگر، تم دوم، تم  
جداگانه

**Pobočnaya tonalnost**

پوبوچنایا تونالنوست

واژه روسی به معنی تونالیته موازی، تونالیته  
هم ارز، تونالیته جنبی

**Pobočnaya dominanta**

پوبوچنایا دومینانتا

واژه روسی به معنی دومینانت دیگر،  
دومینانت دومی

**Pobočnie stupeni**

پوبوچنییه استوپنی

واژه روسی به معنی پرده‌های فرعی

**Pobočnie trezvučiya**

پوبوچنییه تره‌زووچیا

واژه روسی به معنی سه صدائی‌های فرعی

**Podqolosok** پودقولوسوک

واژه روسی به معنی زیر صدایی، زیر صدا

**Podstavka** پودستاواکا

واژه روسی به معنی «خرک»، «پایه»

**Pozisiya** پوزیسیا

واژه ایتالیایی piano-pianissimo

مترادف با واژه‌های ساکت، یواش، آهسته

**Pianist** پیانیست

پیانوچی، نوازنده پیانو

**Piano** پیانو

واژه ایتالیایی piano به معنی آهسته، آرام

**Pikkolo** پیککولو

واژه ایتالیایی piccolo به معنی ریز و  
کوچک

**Piston** پیستون

واژه فرانسوی مأخوذ از واژه ایتالیایی  
pistone به معنی درپوش، سرپوش

**Piffero** پیفِرو

نام ایتالیایی یکی از آلات موسیقی که در  
موسیقی آذربایجانی نام آن زورنا است

**Pitsikato** پیتسیکاتو

واژه‌ای ایتالیایی pizzicato به معنی  
وشگون زدن، وشگون گرفتن، گرفتن و

کشیدن

**Plavnoe ispolnenie**

پلاونوئه ایسپولننییه

واژه روسی به معنی ایفای روان و سلیس،  
اجرای بسیار سلیس

**Plaqalny kadans**

پلاقالنی کادانس

واژه روسی به معنی کادانس پلاقال

**Plaqalnie ladi**

پلاقالنییه لادی

واژه روسی به معنی مقامهای پلاقال



## پورژک Porojek

واژه روسی به معنی خرک کوچک

## پورتامنتو Portamento

واژه ایتالیایی به معنی رفتار، حرکت، روش می‌باشد

## پوستانوکا Postanovka

واژه روسی به معنی ساختار، ساختمان و معنی دیگر آن تماشا می‌باشد

## پوستلودیا Postludiya

مرکب از واژه لاتینی post (بعداً، دوباره، تکرار) + ludo (می‌نوازم)

## پوستروئینیه Postroenie

واژه روسی به معنی ساختار، ترتیب

## پوخودنی مارش Poxodnyj marš

واژه روسی به معنی مارش یورش

## پوخوروننی مارش Poxoronnyj marš

واژه روسی به معنی مارش مانم و عزا

## پوئما Poema

واژه یونانی poiema (می‌آفرینم، می‌سازم و ایجاد می‌کنم) به معنی دیوان و منظومه شعر

## پرِدم Predem

واژه روسی به معنی صدای پیشین، صدای اول، صدای پیش

## پرلود، پرلودیا Prelud,preludiya

پرلود، پرلودیا

واژه لاتینی positio به معنی موقع، وضعیت، موقعیت، استراتژی

## پولیمتریا Polimetriya

واژه یونانی poly (بسیار، زیاد، کثیر) + metron (حد، اندازه، طول)

## پولی ریتیمیا Poliritmiya

واژه یونانی poly (بسیار، زیاد، کثیر) + rhythmos (وزن)

## پولی تِماتیزم Politematizm

واژه یونانی poly (بسیار، زیاد، کثیر) + thema (جمله، معنا)

## پولی فونیا Polifoniya

واژه یونانی poly (بسیار، زیاد، کثیر) + phone (صدا)

## پولوژنیه ملودیچسکویه Polojenie melodiceskoe

واژه روسی به معنی وضعیت ملودیک

## پولوژنیه اَسنوونویه Polojenie osnovnoe

واژه روسی به معنی وضعیت و موقعیت

اساسی و عمده

## پولونز Polonez

مأخوذ از واژه فرانسوی dans polonais به معنی رقص لهستانی

## پالوتن Paluton

واژه روسی به معنی نیم تن، نصف تن

## پوپوری Popurri

واژه فرانسوی pot-pourri که معنای حرفی آن «هفته بیجار» می‌باشد





مأخوذ از واژه یونانی proe (از اول، از ابتدا) ludus + (می‌نوازم) به معنی مقدمه

**Pripev** **پریپو**  
واژه روسی به معنی «تفارت»

**Programma** **پروگرامما**  
واژه یونانی به معنی اعلان، تعلیمات‌نامه

**Prodoljitelnost zvuka**  
**پرو دولژیتلنوست زووکا**

واژه روسی به معنی مدت و طول زمان صدا

**Prolog** **پرو لوگ**  
واژه یونانی pro . prologos (مقدمه) + logos (سخن، کلام)

**Proposta** **پروپوستا**  
واژه ایتالیایی به معنی «جمله»

**Prostoy trexčastnyj takt**  
**پروستوی ترخ چاستنی تاکت**

واژه روسی به معنی خانه و تاکت ساده سه قسمتی یا سه بخشی

**Protivodvijenie**  
**پروتی وُد ویژنیه**

واژه روسی به معنی حرکت معکوس

**Protivoslojenie**  
**پروتیوس لُوژنیه**

واژه روسی به معنی ملودیای مقابل

**Proxodyaššiy zvuk**  
**پروخودیاششیی زووک**

واژه روسی به معنی صدای میانی

**Pult** **پولت**

واژه آلمانی مأخوذ از واژه لاتینی pulpitum به معنی کرسی و تریبون  
خطابت، تریبون

**Punkt organny**  
**پونکت ارگاننی**

واژه روسی به معنی نت دمساز، پدال

**Pyes** **پیس**  
واژه فرانسوی piece به معنی نمایشنامه

**Pupitr** **پوپیتر**  
واژه فرانسوی pupitre مأخوذ از واژه

لاتینی pulpitum به معنی کرسی خطابت، تریبون

## Q

**Qavot** **قavot**  
واژه فرانسوی gavotte مأخوذ از واژه

پرووانسی govoto

**Qamma** **قامما**  
گام موسیقی

**Qarmonizatsia**  
**قارمونیزاتسیا**

واژه روسی به معنی هارمونیزه کردن

**Qarmonika** **قارمونیکا**  
واژه روسی به معنی «قارمون»

**قارمونیوم**  
**Qarmonium**

واژه آلمانی Harmonium به معنی هارمونی

**Qarmoniçeskaya Funktsya**



### قلیساندو **Qlisando**

واژه ایتالیایی glissando مأخوذ از واژه فرانسوی glissant به معنی در حال خزیدن، خزش، اتصال یافتن، تماس حاصل کردن، در حال تماس

### قلوکن اشپیل **Qloken Eşpil**

واژه آلمانی glocke (زنگ، ناقوس) + spiel (رقص)

### قابوی **Qaboy**

از آلات موسیقی که هُوبوی hoboy نیز نامیده می‌شود. واژه ایتالیایی oboe و فرم آلمانی آن hoboe مأخوذ از واژه فرانسوی hautbois

### قولوس **Qolos**

واژه روسی به معنی «صدا»، «آواز»

### قولوس وتاروی **Qolos Vtaroy**

واژه روسی به معنی صدای دوم

### قولوس نیزنی **Qolos Nijniy**

واژه روسی به معنی صدای زیر و پایین

### قولوس ویسوی **Qolos Visokiy**

واژه روسی به معنی صدای زیر و نازک

### قولوس نیزکی **Qolos Nizkiy**

واژه روسی به معنی صدای بم

### قوندولیرا **Qondolyera**

واژه ایتالیایی gondola به معنی کشتی و قایق

### قوپاک **Qopak**

### قارمونچسکایا فونکتسیا

واژه روسی به معنی فونکسیای هارمونیک

### قارمونچسکیه پریزووکی **Qarmoniçeskiye prizvuki**

قارمونچسکیه پریزووکی  
واژه روسی به معنی اُبرتون‌های هارمونیک

### قارمونچنوست **Qarmoniçnost**

قارمونچ نُوست

واژه روسی به معنی آهنگدار بودن

### قارمونیا **Qarmoniya**

واژه یونانی harmonia به معنی همساز بودن، هماهنگ و هم‌آواز بودن

### قلاونایا پارتیا **Qlavnaya Partiya**

قلاونایا پارتیا  
واژه روسی به معنی پارتیای عمده، قسمت عمده و اساسی، پارتی اصلی و عمده

### قلاونایا تئما **Qlavnaya tema**

قلاونایا تئما  
واژه روسی به معنی موضوع اساسی و عمده، موضوع اصلی

### قلاونایا تونال نوست **Qlavnaya Tonalnost**

قلاونایا تونال نُوست  
واژه روسی به معنی تونالیزم عمده و اساسی

### قلاونیه استوپنی **Qlavniye Stupeni**

قلاونیه استوپنی  
واژه روسی به معنی پرده‌های مهم و اساسی، پرده‌های اصلی

### قلاونیه ترزووچییا **Qlavniye Trezvuçiya**

قلاونیه ترزووچییا  
واژه روسی به معنی سه همصداهای اساس و عمده

**قولوسا ارکسترووییه**

واژه روسی به معنی صدای ارکستر

**Qolosa srednie****قولوسا سردنییه**

واژه روسی به معنی صدای میانی، صداهای میانه

**Qolosa xorovie****قولوسا خوروییه**

واژه روسی به معنی صداهای «گر»، خوانندگی با گر، خوانندگان کر

**R****Razmer****رازمر**

واژه روسی به معنی اندازه

**Raznovidnosti instrumentov****رازنو-ویدنوستی اینسترومنتوو**

واژه روسی به معنی انواع مختلف آلات موسیقی

**Razrabotka** **رازرابوتکا**

واژه روسی به معنی کارکرد، فرایند، کاربرد

**Razreshenie** **رازرشنییه**

واژه روسی به معنی «حل»

**Rapsodiya** **راپسودییا**

واژه یونانی rhapsodia به معنی ترانه و سرود حماسی

**Raspevanie** **راسپوانییه**

واژه روسی به معنی تَغَنی، آواز خواندن

**Raspolozhenie smeşannoe**

واژه اوکراینی به معنی پریدن، پرش، در هم کوبیدن

**Qrif** **گریف**

واژه آلمانی griff به معنی دسته، دستگیره، بازو

**Qruppetto** **گروپپتتو**

واژه ایتالیایی gruppetto به معنی گروه و دسته کوچک

**Qruppirovka Not****گروپ پیروکا نت**

واژه روسی به معنی گروه‌بندی و دسته‌بندی نت‌ها

**Qolosa verxnie****قولوسا ورخنییه**

واژه روسی به معنی صداهای بالا

**Qolosa Jenskie****قولوسا ژنسکییه**

واژه روسی به معنی صداهای زنانه، صدای زن، صدای زنانه

**Qolosa Kraynie****قولوسا کراینییه**

واژه روسی به معنی صداهای کناری

**Qolosa Mujskie****قولوسا موژسکییه**

واژه روسی به معنی صداهای مردانه، صدای مرد

**Qolosa Odnorodnie****قولوسا اَدنورودنییه**

واژه روسی به معنی صداهای همجنس

**Qolosa Orkestrovie**



واژه لاتینی reminiscentia به معنی

خاطرات

**Repertuar** رِپِرتوآر

واژه فرانسوی repertoire به معنی سپاهه

**Repetitsiya** رِپِیتِسیا

واژه لاتینی repetitio به معنی تکرار

**Repriz** رِپْرِیز

واژه فرانسوی، reprendre و reprise به

معنی تکرار نمودن، دوباره کاری

**Refren** رِفرِن

واژه فرانسوی refrain (شکسته، تن، قطع

نمودن) که در موسیقی آذربایجانی به معنی

نقارت نیز به کار برده می شود.

**Recitativ** رِچِیتاتِیو

واژه ایتالیایی recitare به معنی A با قرائت

خواندن»

**رِیسپوستا**

**Risposta**

واژه ایتالیایی به معنی اعتراض، جواب

**Ritm** رِیتِم

واژه یونانی rythmos به معنی متناسب،

منتظم، مکمل

**Ritmičeskaya figura**

رِیتِمِچِسکایا فِیگُورا

واژه روسی به معنی فِیگُورِ رِیتِمِک

**Ritmičeskoe delenie**

رِیتِمِچِسکویه دِلِنِیه

واژه روسی به معنی بخش رِیتِمِک، قسمت

رِیتِمِک

**راسپولوژنییه سِمِشانوویه**

واژه روسی به معنی ردیف مخلوط و درهم،

ترتیب درهم و مخلوط

**Raspolojenie tesnoe**

**راسپولوژنییه تِسْنوویه**

واژه روسی به معنی ردیف فشرده، ترتیب

فشرده

**Raspolojenie Širokoe**

**راسپولوژنییه شِیروکویه**

واژه روسی به معنی ردیف و ترتیب باز و

گسترده،

**Rastrub** رِاستروِب

واژه روسی به معنی دهانه شیپور

**Realnaya fuga**

رِئال نایا فوگَا

واژه روسی به معنی فوگای رئال

**Registr** رِگِیستر

واژه لاتینی registum به معنی نوشته،

مکتوب، مکتوب شده

**Rezonans** رِزونانس

واژه فرانسوی resonance به معنی عکس صدا

**Rezonatornie otverstiya**

رِزوناتورنییه اُتورستیا

واژه روسی به معنی سوراخهای رزونانس

**Rekviyem** رِک وِیِم

واژه لاتینی regueis به معنی سکونت

**Reminissensiya**

رِمینِیس سِنِسیا

**Royal** رُویال

واژه فرانسوی royal به معنی شاهانه

**Rulada** رولادا

واژه فرانسوی roulade مأخوذ از واژه rouser که در موسیقی به معنی زنگوله به کار برده می شود.

**S****Sakshorn** ساکسهورن

واژه مرکب آلمانی sax-horn. این واژه مرکب از نام فامیلی استاد و نوازنده بزرگ آلات دمی اهل آلمان به نام ساکس sax + واژه آلمانی Horn به معنی شاخ

**Saksofon** ساکسوفون

نام یکی از آلات موسیقی دمی. این واژه مرکب از نام فامیلی استاد و نوازنده بزرگ آلمانی sax + واژه یونانی phone به معنی صدا

**Salonnyy orkestr**

## سالوننی ارکستر

واژه روسی به معنی ارکستر سالی، ارکستر تالاری

**Sarabanda** ساراباندا

واژه اسپانیایی zarabanda

**Svirel** سویرل

واژه روسی به معنی شیپور

**Svabodna forma**

## سوا بُودنا فُورما

واژه روسی به معنی فرم و شکل آزاد

## ریتورنل

**Riturnel**

رنگ، برگردان، دُن. واژه فرانسوی ritournelle و واژه ایتالیایی ritornello مشتق از واژه ritorno به معنی برگشتن، مراجعت نمودن.

**Ricerkata** ریچرکاتا

واژه ایتالیایی ricercata مشتق از واژه ricercare به معنی جستجو.

**Roq** رُق

واژه روسی به معنی نغیر

**Rodovie instrumenti**

## رُدوویه اینسترومنتی

واژه روسی به معنی آلات اصیل موسیقی

**Rodstvo tonalnostey**

## رُدستوو تونال نُوستیی

واژه روسی به معنی نزدیکی و قرابت تونالیتها

**Romans** رُمانس

واژه اسپانیایی romance مأخوذ از واژه لاتینی romanice به معنی «به زبان رُمان» در لهجه اسپان

**Romantizm** رُمانتیزم

واژه فرانسوی romantisme مأخوذ از واژه romant (رمان)

**Rondino** رُندینو

واژه ایتالیایی و فرم اختصار یافته واژه rondo

**Rondo** رُندو

واژه فرانسوی rondeau



واژه آلمانی sextett مأخوذ از واژه لاتینی

sextus به معنی ششم، ششمین

**Sekunda** **سیکوندا**

واژه لاتینی secunda به معنی دوم، دومین

**Semeyografiya** **سیمِی اُگرافیا**

واژه مرکب یونانی متشکل از sema

(اشاره) + graphe (نوشته)

**Septet** **سپتت**

واژه آلمانی septett مأخوذ از واژه لاتینی septem

به معنی هفت(۷)

**Septima** **سپتیمیا**

واژه لاتینی septima به معنی هفتم،

هفتمین

**Septol** **سپتول**

واژه لاتینی septimus به معنی هفتگانه

**Serenada** **سِرِنادا**

واژه فرانسوی serenade مأخوذ از واژه

ایتالیایی serenata (به معنی sereno)

هوای صاف و روشن، هوای سرد و خنک

(شب)

**Sjatoe raspolojenie**

**سزاتویه راسپولوژنیه**

واژه روسی به معنی آرایش و ترتیب فشرده

و سیخ هم

**Sila zvuka** **سیلا زووکا**

واژه روسی به معنی شدت صدا

**Simmetrične takti**

**سیممتریچنیه تاکتی**

واژه روسی به معنی تاکت‌های (خانه‌ها)

متناسب

**Svobodniy stil**

**سوداُبودنیی استیل**

واژه روسی به معنی استیل آزاد، سبک و

اصول آزاد

**Sevyazuyuşşaya çast**

**سیویازویوششایا چاست**

واژه روسی به معنی بند و قسمت اتصال

دهنده، بخش ارتباط دهنده

**Sekventsiya** **سیکونتسیا**

سیکونسیا . واژه لاتینی sebuentia به معنی

رد گیری، به دنبال ردّ و اثر رفتن

**Sekventsiya**

**vosxodyaşşaya**

**سیکونتسیا وُسخودیاششایا**

واژه روسی به معنی سیکونسیای خیزگیرنده،

صعود کننده

**Sekventsiya**

**nixodyaşşaya**

**سیکونتسیا نیسخودیاششایا**

واژه روسی به معنی سیکونسیای نزول کننده

**Sekventsiya tonalnaya**

**سیکونتسیا تونال نایا**

واژه روسی به معنی سیکونسیای تونال دار

**Sekvensio brazniy**

**سیکونتسیو برازنیی**

واژه روسی به معنی «سیکونسیاگونه»

**Seksta** **سیکستا**

واژه لاتینی sexta به معنی ششم، ششمین

**Sekstet** **سیکستت**



واژه روسی به معنی اسامی هجاوی صداها،  
اسم صداها براساس هجا

### Slojnaya stretta

سلوژنایا استرتتا

واژه روسی به معنی استرتتای مرکب

Slojnie taktı

سلوژنییه تاکتی

واژه روسی به معنی تاکت‌های (خانه‌های)  
مرکب

Slojnyı trexçastnyı takt

سلوژنیی ترخ چاستنیی تاکت

واژه روسی به معنی خانه یا تاکت مرکب  
سه قسمتی، تاکت مرکب سه بخشی

Slux

سلوخ

واژه روسی به معنی قدرت شنوایی، شنیدن  
و شنوایی

Smeşannoe raspolojenie

سیمشانویه راسپولوژنییه

واژه روسی به معنی آرایش و ترتیب مختلط

Smeşannyı xor

سیمشاننیی خور

واژه روسی به معنی گُر مختلط

Smıçkovie instrumentı

سمیچکوییه اینسترومنتی

واژه روسی به معنی آلات موسیقی کمانی،  
آلات موسیقی کماندار

Smıçok

سمیچوک

واژه روسی به معنی کمان

Soverşennaya  
modulyatsiya

Simfonietta سیمفونییتتا

واژه ایتالیایی simfonietta که فرم اختصار  
یافته واژه sinfonia می‌باشد

Simfoničeskaya muzıka

سیمفونیچسکایا موزیکا

واژه روسی به معنی موسیقی سمفونیک

Simfoniya سیمفونییا

واژه یونانی symphonia به معنی آهنگدار،  
همساز، هم‌آواز

Sinkop

سینکوپ

واژه یونانی synkope به معنی بریدن و  
تنگ و کوتاه نمودن، کوتاه و مختصر نمودن

Skazanie

سکازانییه

واژه روسی به معنی داستان

Skazatel

سکازاتل

واژه روسی به معنی نَقّال، داستانسرا،  
داستان‌گو

Skaçok

سکاچوک

واژه روسی به معنی جهش، پرش

Skertso

سکرتسو

واژه ایتالیایی scherzo که معنای حرفی آن  
شوخی و مزاح می‌باشد

Skripka

اسکرپیکا

ویولن. واژه قدیمی اسلاوی به معنی بیان  
صدای حالتی در زبان ترکی به نام  
«جبریلداماق»

Sloqovoe nazvanie  
zvukov

سلووقوییه نازوانییه زووکوو



### Sonatnoe allegro

#### سُوناتنویه آلِگرو

واژه روسی به معنی آلِگرویه سونات

### Sonatny duet

#### سُوناتنی دوئت

واژه روسی به معنی دوئت سونات

### Soprano

#### سوپرانو

واژه ایتالیایی soprano مأخوذ از واژه sopra به معنی «بر روی»، «در بالای» که در موسیقی آذربایجانی انواع آن عبارتند از سوپرانوی دراماتیک، سوپرانوی کُئوراتور و سوپرانوی لیریک

### Sopranoviy klyuch

#### سوپرانووی کلِیوچ

واژه روسی به معنی کلید سوپرانو

### Sostav dvoynoy

#### سُوستاو دِوُی نُوی

واژه روسی به معنی ترکیب دوگانه، ترکیب دویه دو

### Sostav odinarniy

#### سُوستاو اُدینارنیی

واژه روسی به معنی ترکیب یگانه، ترکیب یک جنسی و یکنوع، ترکیب یک به یک

### Sostav parniy

#### سُوستاو پارنیی

واژه روسی به معنی ترکیب دوتایی، ترکیب جفت، جفت ترکیب

### Sostav troynoy

#### سُوستاو تروینووی

واژه روسی به معنی ترکیب سه گانه، سه ترکیبی، ترکیب سه تایی

### سُورشینایا مُودولیاتسیا

واژه روسی به معنی مُدولیاسیای پایان یافته

### سُودِرژانیه

#### Soderjanie

واژه روسی به معنی «مضمون»، «محتوا»

### Sozvučie

#### سُوزووچییه

واژه روسی به معنی هماهنگی، همسازی

### Sozvučnyj

#### سُوزووچنیی

واژه روسی به معنی هماهنگ، همساز

### Solist

#### سُولیست

واژه ایتالیایی solista به معنی تکخوان

### Solo

#### سُولو

واژه ایتالیایی solo مأخوذ از واژه لاتینی

solus به معنی تک، تنها، واحد، یگانه

### Solfecio

#### سُولفِجِیُو

واژه ایتالیایی solfeggio

### Sootnošenie

#### سُوتُوتُوشِنیه

واژه روسی به معنی تناسب، نسبت

### سُوناتا

#### Sonata

واژه ایتالیایی sonata مأخوذ از واژه

sonore به معنی به صدا درآمدن

### Sonatina

#### سُوناتینا

واژه ایتالیایی sonatina به معنی سونات کوچک

### Sonatnaya forma

#### سُوناتنایا فُورما

واژه روسی به معنی فرم سونات، به شکل سونات





## Stepen rodstva استپن رُdstوا

واژه روسی به معنی درجه و میزان قرابت و نزدیکی، درجه و میزان نسبت و قرابت

## Stil استیل

واژه لاتینی stylus مأخوذ از واژه یونانی stylos به معنی سبک، اسلوب، روش

## Stil svobodny استیل سِوداُودنی

واژه روسی به معنی استیل و سبک آزاد

## Stil strogiy استیل استروگی

واژه روسی به معنی استیل و سبک جدی، اسلوب جدی

## Stol vozduşnyy استول وُزدوشنی

واژه روسی به معنی لوله هوا

## Stretta استرتتا

واژه ایتالیایی stretta که معنی لغوی آن «فشردن» است.

## Stroy استروی

واژه روسی به معنی ریشه، بن، اساس، کوک

## Story majorniy استروی ماژورنی

واژه روسی به معنی کوک ماژور

## Story minorniy استروی مینورنی

واژه روسی به معنی کوک مینور

## Story noviy استروی نووی

## Soçetanie سُوچتانییه

واژه روسی به معنی تناسب، موزون بودن، آهنگ

## Soçetanie konsoniruyuşsee سُوچتانییه کُنسنیرویوششییه

واژه روسی به معنی تناسب و آهنگ کُنسونانس

## Soçinenie سُوچیننییه

واژه روسی به معنی «اثر»

## Spikkato اسپیککاتو

واژه ایتالیایی spiccato مأخوذ از واژه spiccare به معنی کندن و جدا کردن

## Sputnik اسپوتنیک

واژه روسی به معنی پیک، قاصد

## Srednevekovie ladi سردنیوگُوییه لادی

واژه روسی به معنی مقامهای مربوط به قرن میانه، مقامهای اواسط قرن

## Stavka استاوکا

واژه روسی به معنی «با انگشت بزرگ وسطی»

## Stakkato استاککاتو

واژه ایتالیایی staccato مأخوذ از واژه staccare به معنی کشیدن، فشردن و کشیدن برای کندن و قطع کردن

## Stan notniy استان نُوتنی

واژه روسی به معنی سطرهای نت، سطور نت



واژه روسی به معنی نگهدارنده سیم، سیم

نگهدار

### Stupeni glavnie

استوینی قلاونییه

واژه روسی به معنی پرده‌های اساسی،

پرده‌های اصلی

### Stupeni lada

واژه روسی به معنی پرده‌های مقام

### Stupeni lada

neustoyçivie

استوینی لادا نئوستوی چیوییه

واژه روسی به معنی پرده‌های بی ثبات و

متغیر مقام

### Stupeni poboçnie

استوینی پوبوچنییه

واژه روسی به معنی پرده‌های فرعی

### Stupen

استوین

واژه روسی به معنی پرده

### Subdominant

واژه لاتینی subdominanta که انواع آن

در موسیقی عبارتند از ماژور سوب

دومینانت و مینور سوب دومینانت

### Subdominantovaya sfera

سوب دومینانتوایا سفرا

واژه روسی به معنی حوزه و منطقه سوب دو

مینانت

### Subdominantovaya

funktsiya

سوب دومینانتوایا فونکتسیا

واژه روسی به معنی کوک جدید

### Story posleduyuşşiy

استروی پوسلیدویوششی

واژه روسی به معنی کوک بعدی

### Stroy prediduşşiy

استروی پردیدوششی

واژه روسی به معنی کوک اول، کوک

نخستین، کوک اولی

### Struktura akkorda

استروکتورا آککورد

واژه روسی به معنی سیستم و ساختار آکورد

### Struna

استرونا

واژه روسی به معنی سیم

### Struna otkritaya

استرونا اُتکریتایا

واژه روسی به معنی سیم آزاد، سیم شُل

### Strunnoe trio

واژه روسی به معنی «تریو» ی سیمدار،

«تریو» ی سیمی

### Strunnie instrumenti

استروننییه اینسترومنتی

واژه روسی به معنی آلات سیمی

### Strunnyi kvartet

استروننیی کوارتت

واژه روسی به معنی کوارتت سیمی

### Strunnyi kvintet

استروننیی کوینتت

واژه روسی به معنی کوینتت سیمی

### Strunoderjatel

استرونودرژاتل



واژه روسی به معنی فونکسبای سوب دومینانت

**Surdina** **سوردینا**

واژه فرانسوی sourdine مأخوذ از واژه لاتینی surdus به معنی صدای خفه و گرفته

**Süita** **سوئیتا**

واژه فرانسوی suite به معنی «به نوبت»، «به دنبال هم»، «متداوم»

**سِزورا**

**Sezura**

واژه لاتینی caesura به معنی بخش، قسمت

**Simbal** **سیمبال**

واژه یونانی kymbalon کیمبال

**Sitra** **سیترا**

واژه آلمانی zither مأخوذ از واژه یونانی kithara به معنی گیتار

**Sug** **سوغ**

واژه آلمانی zug مأخوذ از واژه zichen به معنی کشیدن، گرفتن و کشیدن



**Šestnadsaya nota**

**شِستنادتسایا نُوتا**

واژه روسی به معنی نُت 1/16

**Širina intervala**

**شیرینا اینتروالا**

واژه روسی به معنی عرض اینتروال

**Širokoe raspolojenie**

**شیرو کویه راسپولوژنیه**

واژه روسی به معنی ترتیب گسترده

**Škala** **شکالا**

توالی صداها، قطار و ترتیب صداها، واژه لاتینی scala (پلکان، پله)

**Štrix** **شتریخ**

واژه آلمانی strich «خط انداختن» که در موسیقی نوعی مضراب زدن شبیه حالتی که با نوک چاقو خط اندازند

**Šum** **شوم**

واژه روسی به معنی صدای بلند تندر آسا، گرومب صدا

**Šipkovie instrumenti**

**شِپکُوییه اینسترومنتی**

آلات مضرابی، آلات سیمی که با مضراب نواخته میشوند.



**Tabulatura** **تابولاتورا**

واژه فرانسوی tabulature و واژه آلمانی tabulatur هر دو مأخوذ از واژه لاتینی tabula به معنی تابلو، جدول، لوحه، تخته (سومریها به نوشته‌های خود که بر روی لوحه‌های خشتی می‌نوشتند «تابولا» می‌گفتند که با مصدر تاپیلماق در ترکی امروزی قرابت و همانندی دارد - اسدی)

**Takt** **تاکت**

تاکت، خانه

**Taktirovat** **تاکتیروات**



تم، موضوع  
**Tema qlavnaya** **تما قلاونا یا**  
 واژه روسی به معنی تم و موضوع اصلی، تم اساسی، موضوع اساسی  
**Tema pobochnaya**  
**تما پُبوچنایا**  
 واژه روسی به معنی تم و موضوع دوم، تم و موضوع مضاعف  
**Tembr** **تمبر**  
 واژه فرانسوی timbre مأخوذ از واژه یونانی tymranon به معنی نقاره کوچک  
**Temp** **تمپ**  
 واژه ایتالیایی tempo مأخوذ از واژه لاتینی tempus به معنی وقت، زمان  
**Temperasiya** **تمپراسیا**  
 واژه لاتینی temperatio به معنی متناسب، موزون، مناسب  
**Temperirovanniy stroy**  
**تمپیررواننئی استروی**  
 واژه روسی به معنی کوک تمپراسیا شده  
**Tenor** **تنور**  
 واژه ایتالیایی tenore مأخوذ از واژه لاتینی teneo به معنی «نگه می‌دارم».  
**Tenoroviy klyuch**  
**تنوروی کلیوچ**  
 واژه روسی به معنی کلید تنور  
**Terset** **ترست**  
 واژه آلمانی Terzett مأخوذ از واژه لاتینی tertius به معنی سه گانه

واژه روسی به معنی تقطیع، تقطیع کردن، قطع نمودن  
**Takti nesimetriçnie**  
**تاکتی نسیمتریچنیه**  
 واژه روسی به معنی خانه‌ها و تاکت‌های غیر متناسب  
**Takti prostie**  
**تاکتی پروستییه**  
 تاکتهای بسیط، ساده و گسترده  
**Takti simmetriçnie**  
**تاکتی سیمتریچنیه**  
 واژه روسی به معنی تاکتها و خانه‌های متناسب  
**Takti slojnie**  
**تاکتی سلوژنیه**  
 واژه روسی به معنی تاکت (خانه)های مرکب  
**Tamburin** **تامبورین**  
 واژه فرانسوی tambourin به معنی طبل کوچک  
**Tam-tam** **تام-تام**  
 از واژه های هندی موسیقی  
**Tango** **تانگو**  
 از واژه های اسپانیایی موسیقی  
**Tarantella** **تارانتهلا**  
 واژه ایتالیایی مأخوذ از نام شهر (تارانٹو) taranto  
**Tarelki** **تارلکی**  
 واژه روسی به معنی سنج  
**Tema** **تما**



واژه روسی به معنی تن مکمل بالا، تن مکمل

فوقانی

**Ton kvintoviy**

تن کوینتووی

واژه روسی به معنی تن کوینتا

**Ton nijniy v-vodniy**

تن نیژنی و - وُذنی

واژه روسی به معنی تن مکمل پایین، تن

مکمل تحتانی، تن مکمل زیرین

**Ton tertsoviy**

تن تِرتسووی

واژه روسی به معنی تن تِرسیا

**Tonalnost** تنال نُوست

واژه روسی به معنی تنالیته

**Tonalnosti dalekie**

تنال نُوستی دالکیه

واژه روسی به معنی تنالیته‌های دور

**Tonalnosti odnoimenne**

تنال نُوستی اُدنوئیمِنیه

واژه روسی به معنی تنالیته‌های همنام

**Tonalnosti paralelne**

تنال نُوستی پارالل نییه

واژه روسی به معنی تنالیته‌های موازی و

پارالل

**Tonalnosti rodstvenne**

تنال نُوستی رودستونیه

واژه روسی به معنی تنالیته‌های نزدیک

**Tonalnost qlavnaya**

تنال نُوست قلاونایا

**Tersiya**

تِرسیا

واژه لاتینی tertیا به معنی سوم، سومین

**Tesnoe raspolojenie**

تِسْنویه راسپولُژنیه

واژه روسی به معنی ترتیب فشرده و سیخ

هم

**Tessitura**

تِسسیتورا

واژه ایتالیایی به معنی پارچه، قماش

**Tetraxord**

تِتراخورد

واژه یونانی tetra (چهار) + chorde (سیم)

**Tetraxord verxniy**

تِتراخورد وِرخنی

واژه روسی به معنی تتراکورد بالا، تتراکورد

فوقانی

**Tetraxord nijniy**

تِتراخورد نیژنی

واژه روسی به معنی تتراکورد زیر، تتراکورد

زیرین و پایین، تتراکورد تحتانی

**Tokkata**

توککاتا

واژه ایتالیایی toccata مأخوذ از واژه

toccare به معنی تصادم، برخورد

تن

**Ton**

واژه یونانی tonos به معنی ضرب، ارتعاش

**Ton v-vodniy**

تن و - وُذنی

واژه روسی به معنی تن مکمل

**Ton verxni v-vodniy**

تن وِرخنی و - وُذنی

**Toni akkordovie**

تُنّی آکُورْدُوویِه

واژه روسی به معنی تن‌های آکورد

**Toni neakkordovie**

تُنّی نی آکُورْدُوویِه

واژه روسی به معنی تن‌های خارج از آکورد.

تن‌های خارج آکورد

تُوجْکا

**Točka**

واژه روسی به معنی نقطه

**Točka dvoynaya**

تُوجْکا دوینایا

واژه روسی به معنی نقطه جفت، دو نقطه

**Točka troynaya**

تُوجْکا تروینایا

واژه روسی به معنی سه نقطه

**Transkripsiya**

ترانسکرپسیا

واژه لاتینی transcriptio به معنی

رونویسی کردن، کپی درآوردن

**Transponirovka**

ترانسپونیرووکا

واژه روسی مأخوذ از واژه لاتینی

Transpositio به معنی انتقال

ترانسپوزسیا

**Transpozisiya**

واژه لاتینی transpositio به معنی انتقال

**Transport oktavnıy**

ترانسپورت اُکتاونی

واژه روسی به معنی انتقال به اکتاو

واژه روسی به معنی تنالیته اول، تنالیته

آغازین

**Tonalnost novaya**

تُنال نُوست نُوویا

واژه روسی به معنی تنالیته جدید

**Tonalnost osnovnaya**

تُنال نُوست اَسْنوونایا

واژه روسی به معنی تنالیته اساسی، تنالیته

عمده و اساس

**Tonalnost pobochnaya**

تُنال نُوست پُوبُوجنایا

واژه روسی به معنی تنالیته مضاعف، تنالیته

علاوه شده

**Tonalnost staraya**

تُنال نُوست استارایا

واژه روسی به معنی تنالیته نخستین، تنالیته

کهنه و اولی

**Tonalnie sootnoşeniya**

تُنالنیِه سوُتُوتُوشنیا

واژه روسی به معنی مناسبات و روابط تنالیته

**Tonika**

تُونیکا

واژه یونانی tonos به معنی ضرب

**Toniçeskaya funktsiya**

تُونیچسکایا فونکُتسیا

واژه روسی به معنی فونکسیای تونیکا

**Tonovaya veličina**

intervals

تُنوویا ولیچینا اینترِوالا

واژه روسی به معنی کمیت تنالیته اینترِوال



واژه روسی به معنی سه همصدای اساس و عمده، سه همصدای اصلی

### Trevezüçie toničeskoe

ترز- ووچییه تونیچسکویه

واژه روسی به معنی سه همصدای تونیک

### Trevezüçie uveličennoe

ترز- ووچییه اوولیچننویه

واژه روسی به معنی سه همصدای افزایش یابنده، سه همصدای افزایشی، سه همصدای

افزایش یافته

### Trevezüçie umenšennoe

ترز- ووچییه اومنشیننویه

واژه روسی به معنی سه همصدای کاهش، سه همصدای کاهش یافته، سه همصدای قابل کاهش

### Trevezüçiya qlavnice

ترز- ووچییا قلاونیه

واژه روسی به معنی سه همصداهای اساس و عمده

### Trevezüçiya pobočnice

ترز- ووچییا پوبوچنییه

واژه روسی به معنی سه همصداهای علاوه، سه همصداهای مضاعف

### Trel ترل

واژه ایتالیایی trillo به معنی سه صدا در آمدن، تولید صدا نمودن است که معنی اصلی این واژه به زبان ترکی آذربایجانی، «چینگیلده مک» می باشد.

### Tremolo ترمولو

## Transponiruyuşşie instrumentı

ترانسپونیرویوششییه اینسترومنتی

واژه روسی به معنی آلات موسیقی

ترانسپوزیسیایی

## Traurnıy marş

ترائورنی مارش

واژه روسی به معنی مارش عزا و ماتم،

مارش سوگ

## Trevezüçie ترز- ووچییه

واژه روسی به معنی سه هم صدا

## Trevezüçie bolşoe

ترز- ووچییه بولشویه

واژه روسی به معنی سه همصدای بزرگ

## Trevezüçie iskusstvennoe

ترز- ووچییه ایسکوستوننویه

واژه روسی به معنی سه همصدای صنعتی و ساختگی

## Trevezüçie majornoe

ترز- ووچییه ماژورنویه

واژه روسی به معنی سه همصدای ماژور

## Trevezüçie maloe

ترز- ووچییه مالویه

واژه روسی به معنی سه همصدای کوچک

## Trevezüçie minornoe

ترز- ووچییه مینورنویه

واژه روسی به معنی سه همصدای مینور

## Trevezüçie osnovnoe

ترز- ووچییه اُسنوونویه



### تریو **Trio**

واژه ایتالیائی trio مأخوذ از واژه the به معنی سه (۳)

### تریو استروئوئیه **Trio strunnoe**

واژه روسی به معنی تریوی سیمی

### تریو فورته پیانوئیه **Trio fortepianno**

واژه روسی به معنی تریوی فورته پیانوئی

### تریول **Triol**

واژه آلمانی Triole مأخوذ از واژه لاتینی tres به معنی سه (۳)

### تریئون **Triton**

واژه ایتالیایی tritono به معنی «عبارت از سه تن»، «متشکل از سه تن»

### تریخورد **Triord**

واژه یونانی tri (سه) + chorde (سیم) به معنی سه سیم، سه سیمه

### تروینایا فوگا **Troynaya fuga**

واژه روسی به معنی فوگای سه گانه، سه فوگائی

### تروینوی کنتراپونکت **Troynoy kontrapunkt**

واژه روسی به معنی سه کنتراپونکت، کنتراپونکت سه گانه

### تروینوی سوستاو **Troynoy sostav**

واژه روسی به معنی ترکیب سه به سه، ترکیب سه گانه

واژه ایتالیایی tremolo به معنی مرتعش، قابل ارتعاش

### تریپاک **Trepak**

از واژه‌های زبان روسی قدیم به معنی پاکوبیدن، به صدا درآوردن به نوعی که در زبان ترکی آذربایجانی به آن «تاپیلداتماق» و «آیاق دؤیمک» گویند.

### تریوقولنیک **Treuqolnik**

واژه روسی به معنی سه گوش، مثلث

### تریخ قولوسنی **Trexqolosny**

واژه روسی به معنی سه صدائی

### تریخ قولوسیه **Trexqolose**

واژه روسی به معنی سه صدائی

### تریخ چاستنایا فورما **Trexçastnaya forma**

واژه روسی به معنی فرم سه قسمتی، به شکل سه قسمتی یا سه بخشی

### تریخ چاستنی تاکت **Trexçastny takt**

واژه روسی به معنی خانه و تاکت سه قسمتی، تاکت سه بخشی

### ترانسپوزیسیا **Transpozisiya**

مأخوذ از واژه لاتینی transpono (انتقال می‌دهم، جایش را عوض می‌کنم) به معنی آلات موسیقی ترانسپوزیسیایی، انتقال

### تریلوگیا **Trilogiya**

واژه یونانی trilogia متشکل از واژه tri (سه تائی) + logos (کلام، روایت)



**Tselotonnaya gamma**

تسِلوتُننایا گامما

واژه روسی به معنی گام تمام تُن

**Tselny ton** تسیلی تُن

واژه روسی به معنی تُن کامل و تمام

**Tsifrovaya sistema**

تسیفرووایا سیستمِما

واژه روسی به معنی سیستم ارقام

**Tsifrovka** تسیفروکا

واژه روسی به معنی رقم زدن

**Tsiganskiy romans**

تسیگانسکی(چگانسکی) رُمانس

واژه روسی به معنی رمانس کُولی، رمانس

کولی‌ها

**U****Uvelichenie** اوولِیچِنیه

واژه روسی به معنی بزرگ نمودن، افزایش

دادن

**Uvertura** اوورِتورا

واژه فرانسوی ouverture مأخوذ از واژه

ouvrir به معنی باز نمودن، گشودن

**Udar** اودار

واژه روسی به معنی ضرب

**Udarenie** اودارنیه

واژه روسی به معنی ضرب، ضربه

**Udarnie instrumenti**

اودارنیه اینسترومنتی

واژه روسی به معنی آلات موسیقی ضربی

**Trombon** ترومبون

واژه ایتالیایی trombone به معنی شیپور

بزرگ

**Trombon basoviy**

ترومبون باسووی

واژه روسی به معنی ترومبون باس

**Trost** تروست

واژه روسی به معنی ۱- زبانه ساخته شده از

نی ۲- قسمت چوبی کمان

تروبا

**Truba**

نام نوعی آلت موسیقی دمی - شیپور

واژه ایتالیایی Tromba

توبا

**Tuba**

واژه ایتالیایی و لاتینی به معنی لوله تو خالی

و در موسیقی به معنی شیپور

**Tuš** توش

از واژه های آلمانی موسیقی. Tusch

**Tuše** توشه

واژه فرانسوی toucher به معنی تصادم،

برخورد

**Tselaya nota**

تسلایا(چلایا) نُوتا

واژه روسی به معنی نُت کامل، نت تمام،

تمام نت

**Tselaya pauza**

تسلایا(چلایا) پائوزا

واژه روسی به معنی پائوزای کامل، پائوزای

تمام

**Udvaivanie** **وایوانیه**

واژه روسی به معنی دوتائی کردن، جفت نمودن، دوتائی نمودن

**Udvaivat** **وایوات**

واژه روسی به معنی دوتائی، جفت، جفت شدن، دوتائی شدن

**Udvoennyj** **وئنی**

واژه روسی به معنی جفت شده، دوتائی شده

**Umenshenie** **اومنشینه**

واژه روسی به معنی کوچک نمودن، تصغیر کردن

**Undesima** **اوندسیما**

واژه لاتینی undecima به معنی یازدهمی، یازدهمین

**Unison** **اونیسون**

واژه ایتالیایی unisono مأخوذ از واژه لاتینی unus (یک) + sonus (صدا)

**Unterton** **اونترتون**

واژه آلمانی Untertone به معنی تن‌های پایین

**Uprajnenie** **اوپراژنیه**

واژه روسی به معنی تمرین، ممارست، مشق

**Ustoyčivje stupeni lada****اوستوی چیوییه استوپنی لادا**

واژه روسی به معنی پرده‌های ثابت مقام

**V****Valtorn** **والتورن**

واژه آلمانی Walthorn به معنی شیپور جنگل، شیپور بیشه

**والس****Vals**

واژه فرانسوی valse مأخوذ از واژه آلمانی walzer به معنی چرخ، چرخیدن، چرخش به دور خویش

**Varqan** **وارقان**

واژه یونانی organon به معنی آلت، ساز

**واریاسیا****Variasiya**

واژه لاتینی variatio به معنی تبدیل، تعویض

**Vodni Ton** **وَدنی تون**

واژه روسی به معنی تنِ واصل، تنِ وصل کننده

**Veličina Tonovaya****ولچینا تونوویا**

واژه روسی به معنی کمیت و اندازه تن

**Ventil** **ونتیل**

واژه آلمانی Ventil مأخوذ از واژه لاتینی ventilo به معنی «می‌دمم»، «فوت می‌کنم»

**Veršina** **ورشینا**

واژه روسی به معنی قلّه، اوج، بلندی، بالاترین نقطه

**Veršina intervala****ورشینا اینتروالا**

واژه روسی به معنی نقطه اوج و بلندی اینتروال

**Veršina Melodii**



**Virtuoz** **ویرتوئوز**  
واژه ایتالیایی virtuoso مأخوذ از واژه لاتینی virtus به معنی هنر، استعداد

**Vozbuditel zvuka** **وُزبُودیتِل زووکا**  
واژه روسی به معنی ماخذ صدا

**Vokaliz** **وُکالیز**  
واژه فرانسوی voçalise مأخوذ از واژه لاتینی vocalis به معنی صدادر

**Volinka** **وُلینکا**  
آلت دمی به نام «زورنا».

لازم به توضیح است که این آلت موسیقی در بین روسها، اوکراینیها و بلوروسها به (دودا) duda، در بین گرجیها به (قوداست ویری) qudastviri در بین ارمنیها به (تیک) tik، در بین ملت ترک تبار چوواش به (سارنای) sarnay، در بین لهستانیها به (کوزا) koza، در بین چکها به (دودی) dudi، در بین ایتالیاییها به پیفرو piffero، در بین ترکها و بلغاریها به (قاید) qayda، در بین فرانسویها به (کُورنیموز) kornemyuz، در بین آلمانها به زاکپ فیفه zakpfeyfe و بالاخره در بین انگلیسیها به (باگپاین) bagpayn مشهور است.

**Volta** **ولتا**  
واژه ایتالیایی volta به معنی بازگشت، دفعه، بار

**Vtoraya partiya** **وُتورایا پارتیا**

**ورشینا ملودی**

واژه روسی به معنی نقطه اوج و بلندی ملودی

**Vibrato** **ویراتو**  
واژه ایتالیایی vibrato مأخوذ از واژه لاتینی vibratio به معنی لرزش

**Vibrafon** **ویرافون**  
واژه لاتین - یونانی. مرکب از واژه لاتینی vibro (لرزش) و واژه یونانی fon (صدا) به معنی لرزش صدا، ارتعاش صدا

**Vibrasiya** **ویراسیا**  
واژه لاتینی vibratio به معنی لرزش، ارتعاش

**Vidoviye instrumenti** **ویدوویه اینسترومنتی**

واژه روسی به معنای آلات هممنوع و همچنس

**Viola** **ویولا**  
واژه ایتالیایی به معنی ویولون. ریشه این واژه در زبان ایتالیایی هنوز معلوم و مشخص نشده و این کلمه معلوم نیست که از چه واژه‌ای مشتق شده است.

**Violonçel** **ویولونچل**  
واژه ایتالیایی violoncello شکل اختصار یافته واژه ویولونه violone (ویولوی بزرگ = کنتراباس) می‌باشد.

**Vircinel** **ویرجینل**  
واژه انگلیسی virginal مأخوذ از واژه لاتینی virgula به معنی درخت



واژه روسی به معنی پارتی دوم، قسمت دوم

**وستوپ لَنیِه**

**Victupleniye**

واژه روسی به معنی مقدمه

**Visata**

**ویساتا**

واژه روسی به معنی ارتفاع و بلندی

**Visata absolyutnaya**

**ویسوتا آبسولوتنایا**

واژه روسی به معنی ارتفاع مطلق، ارتفاع و

بلندی نهایی و غایی

**Visata zvuka**

**ویسوتا زووکا**

واژه روسی به معنی ارتفاع و بلندی صدا

**Visata atnasitelnaya**

**ویساتا آتناسیتلنایا**

واژه روسی به معنی ارتفاع و بلندی نسبی

## X

**Xvatka**

**خواتکا**

واژه روسی به معنی ترتیب، ترتیب قرار

گرفتن

**خود**

**Xod**

واژه روسی به معنی حرکت

**خر**

**Xor**

واژه روسی به معنی «گر»

**Xor odnorodniy**

**خر اَدنوردنیی**

واژه روسی به معنی گر یک جنس، گر یک

نوع

**Xor smeşanniy**

**خر سِمِشائینی**

واژه روسی به معنی گر مخلوط

**Xoral**

**خرال**

واژه لاتینی choralis مأخوذ از واژه یونانی

choros به معنی «گر»

**Xoralnaya prelyudiya**

**خرال‌نایا پرل‌یودیا**

واژه روسی به معنی مقدمه گُرال

**Xormeyster**

**خرمیستِر**

واژه xor + واژه آلمانی Meister (استاد)

به معنی رهبر و استاد گر

**Xorovoe penie**

**خروویه پنیِه**

واژه روسی به معنی گر خوانی

**Xorovoe iskusstvo**

**خروویه ایسکوستوو**

واژه روسی به معنی هنر گر، هنر گر خوانی

**Xromatizm**

**خروماتیزم**

خروماتیزم. واژه یونانی chroma به معنی

رنگ

**Xromatičeskaya gamma**

**خروماتیچسکایا گاما**

واژه روسی به معنی گام کروماتیک

**Xromatičeskaya**

**qarmonika**

**خروماتیچسکایا قارمونیکا**



واژه روسی به معنی فارمون کروماتیک که بدان بایان نیز می‌گویند.

### Xromatičeskaya modulyatsiya

#### خروماتیچسکایا مُدولیاتسیا

واژه روسی به معنی مُدولیاتسیای کروماتیک Xromatičeskieinstrumenti

#### خروماتیچسکییه اینسترومنتی

واژه روسی به معنی آلات کروماتیک

### Xromatičeskie intervali

#### خروماتیچسکییه اینتروالی

واژه روسی به معنی اینتروال‌های کروماتیک

### Xromatičeskie proxodyaššie noti

خروماتیچسکییه پروخودیاششیه نُوتی

واژه روسی به معنی نت‌های میانی کروماتیک

### Xromatičeskiy puloton

#### خروماتیچسکی پُلوتن

واژه روسی به معنی نیم تن‌های کروماتیک، نصف تن‌های کروماتیک

## Y

### Yazikoviyе yazıkooviyе

واژه روسی به معنی زبان‌دار، دارای زبان و زبان، زبانی، خطاب به آلات موسیقی زبانی یا زبان‌دار مثل کلارنت و قابوی

### Yubilyasiya yubilyasiya

واژه لاتینی jubilatio به معنی شادی، سرور و شَعف، جشن و سرور

### Yumoreska yumoriska

واژه آلمانی Humoreske مأخوذ از واژه Humor به معنی مزاج

### Yazıçok yazıçok

واژه روسی به معنی زبانه ساخته شده از نی

## Z

### Zaderjaniye zadrzaniye

واژه روسی به معنی لنگیدن، خطا کردن

### Zaklyučeniyе zakluçeniye

واژه روسی به معنی ختام، پایان، نهایی، فینال Zapev, Zapevka

#### زاپو، زاپوکا

واژه روسی به معنی فرد، تک

### Zapevala zapevala

واژه روسی به معنی فردخوان، تک‌خوان

### Zatakt zatakt

واژه روسی به معنی خارج خانه، خارج تاکت

### Zvuk zvuk

واژه روسی به معنی صدا، صوت

### Zvukovaya sistema

#### زووکوویا سیستم

واژه روسی به معنی سیستم صدا

### Zvuko zapis

#### زووکو زاپیس

واژه روسی به معنی ضبط صدا

### Zvukoizvleçeniye



واژه آلمانی singspiel مآخوذ از واژه  
singen ( آواز خواندن ) + spiel ( رقص )  
به معنی رقص و آواز

### Znaki pavtareniya

#### زناکی پواتارنیا

واژه روسی به معنی اشارات و علامت‌های  
تکرار و دوباره

### Zona

#### زونا

واژه یونانی zone به معنی ناحیه.  
منطقه. حوزه

### زووگو ایز - ولچنییه

واژه روسی به معنی تولید صدا

### Zvukonasitel

#### زووگوناسیتل

واژه روسی به معنی حامل صدا

### Zvukoryad زووگوریاد

واژه روسی به معنی آرایش صدا . توالی

صدا . ردیف صداها

### Zvukoryad Angemitonnyy

#### زووگوریاد آنگمیتوننی

آرایش و ردیف غیر نیم تن‌ها . آرایش و  
ردیف آنهمیتون‌ها

### Zvukoryad diyatonicheskiy

#### زووگوریاد دیاتونیکسکی

واژه روسی به معنی آرایش و ردیف صدای  
دیاتونیک

### Zvukoryad naturalnyy

#### زووگوریاد ناتورالنی

واژه روسی به معنی آرایش طبیعی صدا

### Zvukosnimatel

واژه روسی به معنی آداپتور

### Zvuçaniye

#### زووچانییه

واژه روسی به معنی «به صدا در آمدن»

### Zerkalnaya repriza

#### زرکالنا یا رپریزا

واژه روسی به معنی رپریزای آینه دار

### Zing ışıpil

#### زینگ اشیپیل



۲d شکل اختصار یافته این واژه می باشد.

## A due mani

با دو دست

## A quattro mani

چهار دستی، با چهار دست

## Affabile

محترمانه، لطف آمیز، با عنایت والتفات

## Affannato

با اضطراب، مضطربانه، تشویشانه، با هیجان

## Affettamente

با خود ستائی، خودستائی کردن

## Affetto

حسن، هیجان

## Affrettando

با عجله ، با شتاب

## Agile

عجول ، چابک ، فرز، با شتاب و تحرک  
فراوان

## Agitato

با اضطراب و هیجان زیاد، توأم با تشویش

## A la....

...گونه...وار

## All' , alla

به سبک ...

به روش ...

در مایه ...

## Alla breve

اجرا و ایفای دو شمارشی موسیقی نوشته شده در وزن چهار چارگی یعنی هر تاکت (خانه) را به جای چهار ضرب ، دو ضرب محاسبه نمودن

## A

### Abbandona , Con abbandono

با توجه به ذوق و قریحه شخصی، نسبت به ذوق فردی و شخصی، در سبک و اوسلوب آزاد و دلخواه

### Abbassando

از شدت و بلندی صدا کاستن، همزمان با کاستن شدت و قدرت صدا

### Accarezzevole

با نوازش، توأم با نوازش

### Accelerando

توأم با افزایش سرعت accel شکل اختصار یافته این واژه می باشد.

### Accentando

آکسنت، ضرب را بطور ویژه قید نمودن و نمایش دادن

### Adagietto

نسبت به آداژیو کمی سریع تر

### Adagio

به آرامی ، ساکت . ad-o شکل اختصار یافته این واژه می باشد

### Addolorato

حزین ، غمگین ، مأیوس ، غم انگیز

### Ad libitum

تیمپ (سرعت) و انواع نوآنس های یک اثر را به هنگام اجرا، به اختیار ایفاگر (نوازنده) گذاشتن

### A due

اونیسون نواختن دو آلت موسیقی همجنس.



۲) همچنین به پیس موسیقی که درچنین تمپی نواخته شود و دارای نام مخصوص و ویژه‌ای نباشد، اطلاق می شود.

and-te و and شکل های اختصار یافته واژه andante می باشد.

### **Andante con moto**

یعنی خیلی تند و سریعتر از آندانته.

### **Andantino**

تمپی که نسبت به آندانته قدری پرسرعت و تند باشد. and-no شکل اختصار یافته واژه andantino می باشد.

### **Animato**

با روح بلندی و روح افزایشی بسیار بزرگ، به شکل زنده و جوندار

### **Aperto**

با صدای باز. در آلات دَمی (فوتی)، خارج نمودن بخشی به نام سوردینا و جدا نمودن آن از آلت را گویند که موجب باز شدن صدای آلت موسیقی می شود.

### **A piacere**

چه از لحاظ نمایش اطوار ایفاگری و چه از لحاظ ریتم به حالت آزاد و دلخواه بودن

### **Appassionato**

با احساسات بسیار، با احساس زیاد

### **Archi**

نام و عنوان عمومی آلات موسیقی کمانی (کماندار)

### **Arco**

کمان، با کمان نواختن.

### **Assai**

به حدّ کافی، به قدر کافی، در حد نهایت، در نهایت. این واژه در صورت ترکیب با واژه

### **Allargando**

سرعت را وسعت بخشیدن، آهسته - آهسته، یواش نمودن

### **Allegretto**

نسبت به آللگرو کمی سنگین با تمپ آرام.

یواش و آرام یعنی از آللگرو آهسته تر و از آندانته سریع تر

### **Allegro non troppo**

نه آنقدر هم زود، نه به آن زودی

### **Allegro**

واژه ای که بیانگر تند و شدید بودن سرعت می باشد، سرعت زیاد

### **Allentando**

کاستن سرعت، از سرعت کاستن

### **Allentamento**

کاستن سرعت، از سرعت کاستن

### **Altri**

به غیراز سولبست به مجموع نوازندگان گروه موسیقی آلتی گویند

### **Amabile**

خوب، قشنگ، زیبا، به طرز بسیار خوب و قشنگ

### **Amoroso**

ظریف و نازک، ظریف و قشنگ

### **Ancora**

دوباره، بار دیگر

### **Andante**

۱) تمپی که نشانگر سرعت متوسط مطابق با گام یا پای ساکت و آرام باشد.





## Basson

واژه فرانسوی به معنی فاگوت. واژه فاگوت مشتق از واژه ایتالیایی fagotto که معنی لغوی آن گره، بستن. گره زده شده می‌باشد.

## Bassoon

واژه انگلیسی که معنی لغوی آن گره، بستن. گره زده شده می‌باشد.

## Batterie

گروه آلات موسیقی ضربی

## Battuta

- ۱ - ضرب، ضربه، آکسنت
- ۲ - تاکت (خانه)

## Bene

خیلی، به قدر لزوم، خوب، به حدّ خوب

## Ben

خیلی، به قدر لزوم، خوب، به حدّ خوب

## Bewegt

مهیج، با هیجان، هیجان انگیز، زنده و بسیار چوندار

## Bis

بار دوّم، دوباره، بار دیگر. قطعه‌ای که همراه با این واژه قید شود.

بایستی دوبار پشت سر هم اجرا نمود.

## Bruscamente

به شکل غیر ظریفانه و زمخت

## Buffo

خنده دار، بامزه و کمیک

## C

## Calando

شدت صدا را کاستن ، از شدت صدا کاستن

دیگر به معنی آن واژه، شدت و مبالغه بسیار می‌بخشد. به عنوان مثال allegro assai یعنی از آلگرو بسیار سریعتر و یا adagio assai که معنی آن از آلگرو بسیار یواش تر می‌باشد.

## A tempo

در تمپ اول، در تمپ اول خود، در تمپ نخست خود. ورود به تمپی که در شروع و اول داشته است (بعد از آهسته و یواش نمودن یا زیاد نمودن سرعت)

## A tre

سه تایی ، به شکل سه تایی یا سه نفره (ملزم به ایفا و اجرای همان پارتیا یا بخش، یعنی اونیسون نواختن سه آلت موسیقی همجنس)

## Attaca

ورود بلادرنگ و بدون مکث به قسمت بعدی اثر بعد از اتمام قسمت قبلی

## B

## Baccetta

چوبی که به هنگام نواختن آلات موسیقی ضربی به کار برده می شود.

## Badinerie

شوخی و مزاح، شوخی کردن و دلخوشی، ناآرامی، شلوغی کردن

## Barbaro

به شکل زمخت، غیر ظریفانه



## Col

حرف ربط و پیوند دهنده «با»

## Colla

حرف ربط و پیوند دهنده «با»

## Colli

حرف ربط و پیوند دهنده «با»

## Con il

حرف ربط و پیوند دهنده «با»

## Con speditezza

سرعت حرکت را افزایش دهید ، با افزایش سرعت حرکت

## Con sentimento

با احساس عمیق، به شکل مؤثر و تأثیر گذار

## Con impazienza

با بی صبری، با تلاش، با سعی و اهتمام

## Colla baccetta

با چوب طبل بزرگ روی یکی از سنج ها نواختن

## Colla parte

اصطلاحی که نشانگر موزون و متناسب بودن تیمپ صداها یا پارتیهای درجه دوم با پارتیای اساس و عمده (پارتیای راهبر)، به هنگام اجرا می باشد.

## Colla parte

در تعقیب صدای اصلی (در پارتیا)، از صدای اصلی پیروی نمودن

## Col legno

نوعی نواختن با آلات موسیقی سیمی کماندار که با طرف چوبی کمان روی سیمهای آلت ضربه زده می شود.

## Come

همچون ، مثل ، به شکل ، به روش

(در بعضی مواقع همزمان از سرعت اجرا نیز کاسته می شود)

## Calmato

به آرامی، با سکوت و آرامی

## Calmo

ساکت، دنج، یواش

## Calore

با حرارت، آتشین

## Cambia

عوض کن ، تعویض کن

## Cambiando

عوض کن ، تعویض کن

## Camminando

بدون عجله و شتاب، با تأنی و آرامش

## Candidamente

صمیمی ، طبیعی (صدا)

## Cantabile

با تعنی، آهنگدار، با لطافت

به شکل و طرز تقلید صدای آواز انسان به هنگام نواختن آلات موسیقی

## Canto

آواز، ترانه، صدای آواز خواننده به هنگام اجرای قطعه موسیقی

## Capo

شروع، مقدمه، ابتدا، سر

## Capriccioso

با بازیگوشی، و بازیگوشانه. با قر و ناز

## Carezzando

ظریف و نازک، به شکل ظریفانه با سخنان منظوم عزیز خواندن و شبیه خواندن

## Celere

زود ، تند. با سرعت ، با سرعت تند



**Con alcuna licenza**  
تا حدّ معینی آزاد

**Con allegrezza**  
شاد

**Con amarezza**  
مأیوس، غمگین، محزون

**Con brio**  
آتشین، پر حرارت و گرم

**Con calore**  
با احساسات بسیار، آتشین

**Con celerita**  
زود، سریع، تند و فرز، چابک

**Con collera**  
غضبناک، عصبانی

**Con commodo**  
بدون عجله و شتاب، به آسانی و راحتی

**Con delicatezza**  
با حساسیت، با نزاکت، به طور ظریف، ظریف

**Con desiderio**  
شوریده، خروشان، بهادر، جنگاور، جنگی

**Con desiderio intenso**  
بسیار شوریده، بسیار خروشان، پر حرارت و بسیار تند و آتشین

**Con devozione**  
مخلص، پرستشگرانه

**Con doglio**  
واژه ای که حس حزن و غم را بیان کند.

**Con diligenza**  
با سعی و تلاش، با دقت

**Con discrezione**  
به شکلی که موافق با صدای اصلی یا پارتیای اصلی باشد

به عنوان مثال Come prima یعنی به همان سرعتی که در ابتدا داشت و یا Come Sopra یعنی به همان شکل و طرزی که در فوق نشان داده شده است.

**Commodo**  
آسان، راحت، به راحتی

**Comodo**  
آسان، راحت، به راحتی

**Con**  
«با»، «با ...»

به طرز ... مثل ... به شکل ...

**Con anima**  
با روح بلندی و روح افزایی بسیار بزرگ، به شکل زنده و جوندار

**Con affetto**  
با احساسات زیاد، با احساس شدید

**Con affizione**  
مأیوس، ناراحت و غمگین، دردمند

**Con amabilita**  
خوب، قشنگ، زیبا، به طرز بسیار خوب و قشنگ

**Con amore**  
هوس انگیز، باهوس و عشق آمیز، تعشقانه، عاشقانه

**Con licenza**  
بدون توجه و رعایت قواعد به طور آزادانه و آنگونه که آرزو می کند و دلخواه است.

**Con agilita**  
آزاد، به شکل آزاد و آسوده

**Con agitazione**  
با هیجان، با تشویش، با اضطراب و تشویش

**Con fretta**

با عجله و شتاب، بر سرعت افزودن

**Con fuoco**

به شکل آتشین و پرحرارت، آتشین وار

**Con grandezza**

به شکل محتشم و با عظمت، پرشکوه

**Con gravita**

به شکل جدّی و مغرورانه

**Con grazia, grarioso**

به شکل ظریف، ظریفانه

**Con gusto**

ذوق آور، توأم با ذوق، با ذوق و شوق، با

ذوق و هوس

**Con impeto**

سرت، سخت و محکم، قاطع

**Con ira**

با شدت و حدّت زیاد، آتشین و پرحرارت،

آتشین هوس، با خشم، خشمگین

**Con lanezza**

ساکت، یواش، راحت، آهسته، آرام

**Con moto**

در صورت قرار گرفتن در جوار کلمه‌ای که

نشان دهنده تمپ باشد، شرط افزایش

سرعت را تأکید می کند به عنوان مثال

سرریعتر از آندانته Andante con moto یعنی خیلی تند و

سرریعتر از آندانته

**Con mano destra**

با دست راست

**Con misterio**

اسباب انگیز، سبب انگیز

**Con mano sinistra**

با دست چپ

**Con disperazione**

شدید، پرحرارت، با تمام قوت و توان

**Con dolce maniera**

به شکل ظریف و دلپسند

**Con dolcezza**

لذت بخش، ذوق بخش، بامزه و با نمک

**Con dolore**

محزون، دردمند، غمگین، کدرآمیز

**Con duolo**

محزون، دردمند، غمگین، کدرآمیز

**Con elevazione**

با وقار، مغرور

**Con entusiasmo**

با هوس و شوق بسیار، با شادی و خوشحالی

بسیار

**Con espressione**

با احساسات عمیق درونی

**Con estro poetico**

شاعرانه، الهامی، الهام آمیز

**Con fermezza**

با قاطعیت، با ثبات، با متانت، متین

**Con festività**

با دبدبه و کبکبه، محتشم، ممنون، شاد

**Con fieressa**

با تکبر و غرور، مغرورانه، به شکل مغرورانه

**Con franco**

آزاد، آزادانه، با ایمان راسخ

**Con fretta**

با عجله و شتاب بر سرعت افزودن

**Con foco**

با جسارت، به شکل آتشین

**Con forza**

قوی، قدرتمند، پرتوان، پرنیرو

**Con vivezza**

چوندار، زنده

**Con voglia**

با حرارت، به شکل خروشان و جوشان،  
لبریز از جوش و خروش

**Con zelo**

با ذوق و هوس، با اشتیاق

**Concento**

آهنگدار، همساز

**Con debolezza**

افادهٔ ضعف و ناتوانی را طلب می‌کند.

**Confusamente**

درهم و برهم، بدون نظم و نظام

**Contano**

ایست، توقف، نگهداشتن پائوزا با توقف  
نواختن.

Cont. شکل اختصار یافتهٔ این واژه می‌باشد.

**Continuo**

دائمی، بی نهایت، بی پایان، بدون آرام و  
قرار، بی وقفه

**Conto a tempo**

در تِمپ اوّل، در تِمپ نخستین خود

**Contratempo**

کاهش دادن سرعت، از سرعت کاستن

**Contre-temps**

کاهش دادن سرعت، از سرعت کاستن

**Coperto**

بسته، سر بسته. ۱) برای تولید صدای  
Λسی، بستن دهانهٔ شیپور با دست به  
هنگام نواختن، دست را داخل لولهٔ شیپور  
بردن که در نوشتار تُتی این عمل را با  
علامت پلوس (+) نشان می‌دهند، کشیدن  
پارچهٔ فلانل بر روی پوست آلت موسیقی

**Con molto espressione**

با روح افزایی و هوس بسیار

**Con molto passione**

با احساسات عمیق بسیار

**Con nobile, orgoglio**

دارای احساسات نجیب، موقر، با وقار

**Con osservanza**

با دقت، توأم با دقت

**Con precisione**

به شکل دقیق، به طرز دقیق

**Con rabbia**

دیوانه‌وار، با بی‌قید و بندی، هر طوری اومد،  
بدون توجه به اصول و اسلوب، بی قاعده و  
قانون، آلکی و شتابانه

**Con sentimento**

از ته قلب، صمیمی، با ذوق و هوس

**Con solennita**

با شکوه و عظمت، پرشکوه

**Con sordini**

با Λسوردین، همراه با Λسوردین»

**Con spirito**

توأم با شوق، به شوق آمدن، به روح  
آمدن، روح یافتن، توأم با روح افزایی

**Con strepito**

توأم با سر و صدا، بلند

**Con tenerezza**

با ظرافت و نازکی

**Con tristezza**

غمگین، مکذّر

**Con variazioni**

با واریاسیوها

**Con vigor**

قوی، پرنیرو، قدرتمند، پرانرژی



## Decompose

به شکل ناموزون، به طور نا برآزنده

## Decrescendo

به تدریج از شدت صدا کاستن (به شرط کاهش سرعت)

Decresc فرم اختصار یافته این واژه است.

## Sempre piu decrescendo e piu rallentando

همزمان با کاهش تدریجی شدت صدا، بایستی برابر آن، سرعت را نیز آهسته تر نمود .

## Deficiendo

همزمان با فروکش نمودن، خاموش شدن، ضعیف و قطع شدن

## Del, della, dello

از ...، این واژه در زبان ایتالیایی بیانگر حالت مالکیت، و نشان مالکیت می باشد

## Deliberato

به شکل زنده (توأم با قدری افزایش سرعت)، با قاطعیت، به طور قطعی

## Delicat

با حساسیت، با نزاکت، به طور ظریف، ظریف

## Delicato

با حساسیت، با نزاکت، به طور ظریف، ظریف

## Delicamenta

با حساسیت، با نزاکت، به طور ظریف، ظریف

## Delicatezza

با حساسیت، با نزاکت، به طور ظریف، ظریف

## Delie

به نام لیتاورا (تمپو) جهت حذف صدای خفه، خفه نمودن صدا. ۲) سیستم لوله‌ها در سراسر ارغنون» را گویند.

## Cosi

اینطور، اینچنین، این گونه

## Crescendo

همزمان با افزایش، توأمان با افزایش و قوی نمودن. در موسیقی این واژه زمانی به کار برده می‌شود که قدرت و شدت صدا رفته رفته افزایش یابد.

Cresc شکل اختصار یافته این واژه است.

## Cupo

غوطه ور، به عمق و اعماق فرو رفته

## D

### Da capo

از اوّل، از ابتدا، دوباره، از نو، تکرار دوباره پس از ابتدا، اجرای دوباره قطعه از ابتدای آن

### Da capo sin al segno

از ابتدا تا اشاره A سیگنو» تکرار کنید

### Da capo sin al segno poi segue la coda

بعد از تکرار از ابتدا تا اشاره A سیگنو» به A کدا» وارد شوید.

### Debile, debole

ضعف، بی طاقت

### Debolezza

ضعف، ناتوانی.

### Deciso

با قاطعیت، با قطعیت، با جسارت، با متانت



### Di grado discendente

پرده به پرده تدریجاً به سوی بَم

### Di nouvo

مجدداً، از نو

### Diligenza

با سعی و کوشش نشان دادن، با هوس و اشتیاق

### Diminuendo

Decrescendo : نگاه کنید به :

### Disinvolto

بسیار آزاد ، بسیار آزادانه و راحت

### Disperato

به شکلی که حالت ناامیدی را افاده کند، به طرزى که بیانگر حالت ناامیدی است.

### Disprezzo

بی اعتنا، بی توجه، لاقید

### Distino

روشن، واضح، روان

### Doglio

ماتم، سوگ

### Dogliosamente

غمگین، محزون

### Doglioso

غمگین، محزون

### Dolce

ظریف و قشنگ، ظریف و نازک

### Dolcissimo

بی نهایت ظریف و قشنگ

### Dolente

غمگین و غصه دار، محزون

### Dolore

اضطراب، غم و اندوه

### Dopo

بسیار آزاد و بدون تکلیف ، به شکل آزاد و بی‌قید و بند

### Delizioso

تا حد امکان به طرز خوشایند و دلپسند، با ظرافت و نازکی

### Delizioso

تا حد امکان به طرز خوشایند و دلپسند، با ظرافت و نازکی

### Desiderio

آرزو، هوس، شوق

### Destra

راست (دست)

### Destramente

چابک، به آسانی، به راحتی

### Detache

معنای لغوی آن جدا - جدا می باشد یکی از ضربات و اشتراخ های (به شکل خط انداختن با نوک چاقو) وارده با کمان در الات موسیقی کمان دار

### Determinato

با قطعیت

### Di...

از ...، در ...

یکی از علامات حالت مالکیت در زبان ایتالیایی به عنوان مثال tempo di valsa یعنی در تَپم والس .

### Di bravura

با جسارت ، به طور درخشان ، به شکل عالی

### Di grado ascendente

پرده به پرده ، پله به پله به طرف صدای زیر



بعد، بعداً

**Espressivo**

با احساسات عمیق و جانفزای بسیار.

espr . شکل اختصار یافته این واژه می باشد

**Ex abrupto**

به یکباره، در حال، غفلتاً.

**Exercice**

تمرین، ممارست، مشق

**F****Facetamente**

شاد، باشادی و سرور ، شوخیانه

**Faceto**

شاد، باشادی و سرور ، شوخیانه

**Facile**

آسان، راحت

**Fastosamente**

پرشکوه، قشنگ، با دبدبه و کبکبه، محتشم

**Fermamente**

محکم، قدرتمند، خستگی ناپذیر، نستوه

**Fermo**

محکم، قدرتمند، خستگی ناپذیر، نستوه

**Fermare**

متوقف ساختن، ایست نمودن

**Fermissimo**

بسیار قوی و قدرتمند

**Feroce**

سُرت، خشن، زمخت

**Festivo**

مفرح، باشادی و سرور، شاد، شادمانه

**Fiaccamente**

ضعیف، خسته، بی طاقت، ناتوان

**Fieramante****Doppio**

دو مرتبه، دو برابر

**Doppio tempo**

دو برابر سرعت تِمْپ اوّلی

**Doppio movimento**

دو برابر سرعت تِمْپ اوّلی

**Double**

افزایش دو برابر

**Due**

دو (۲)

**Duramente**

زمخت، سخت، محکم، غیر ظریفانه

**E****E , ed**

حرف ربط Λ و

**Egual**

برابر، منتظم (دوام شدت صدا یا تمپ بر روی یک قاعده و روش)

**Elegiaque**

مأیوس، مکدر، غمگین

**Elegiaco**

مأیوس، مکدر، غمگین

**Elevato**

محتشم، با عظمت، با شکوه و جلال

**Energico**

با جهد و جدّ، با جدّیت و تلاش، با قطعیت

**Enfaticamente**

با افاده

**Espressione**

با احساسات عمیق و جانفزای بسیار.





## Frescamente

شاد و قیراق

## Fretta

عجله، شتاب و بی حوصلگی

## Frullato

صدای ویژه‌ای که به طرز نوبتی فوق العاده سریع صداها در بعضی از آلات فوتی (فلوت، شیپور و سایر) به دست می‌آید گویند.

## Funebre

به مناسبت مراسم تشییع جنازه و تدفین، محزون، غمگین، دردمند، ماتم زده، سوگوار

## Funesto

گرفته، مغموم، اخمو.

## Fuoco

شعله، آتش

## Fuo coso

شعله ور، آتشین

## Furioso

دیوانه، مفتون

## G

## Gagliardo

با جسارت، توأم با جرات، با سرعت تند و تیز

## Gagamente

شاد، مسرور

## Gaiment

شاد، مسرور

## Gajo

با شادی، شادمانه

## Garbatament

با افتخار، توأم با فخر و افتخار

مغرور، جسور

## Fiero

مغرور، جسور

## Fine

پایان، آخر، نهایت، فینال، نهایی

## Flautanto

فلوت گونه، فلوت وار، مثل فلوت، همچو فلوت، کشیدن کمان بر روی سیمهای آلات کماندار با فاصله دور از خرک (به طرف بازو یا دسته آلت) جهت تولید صدایی شبیه صدای فلوت را گویند.

## FleBILE

با آه و زار، با آه و ناله، حزین، غمگین

## Flauto piccolo

فلوت کوچک

## Flessibile

چابک و نرم، فرز و نرم

## Fluidezza

ساکت، ملایم، به هنگام وصل صداها به هم

## Foco

آتش، حرارت

## Forte

قوی، بلند و محکم (صدا). f شکل اختصار یافته این واژه است

## Forte possibile

تا حد امکان قوی و بلند

## Forza

قوی، پر قدرت، چالاک

## Francamente

آزاد، آزادانه، با ایمان راسخ

## Freddo

سرد، لاقید، بی اعتنا، بی توجه



## Grandioso

با عظمت، با احتشام، محتشم، پرشکوه

## Grave

با سرعت سنگین، با وقار، با تمکین

## Gravezza

به شکل جدی، با تکبر، متکبرانه

## Gravita

تکبر، غرور، تشخیص

## Graziosissimo

با ذوق و هوس بسیار، با ذوق و نشئه فراوان  
، به شکل جذاب

## Grosse

بزرگ

## Guerriero

با روح جنگاوری، در روح سلحشوری و  
جنگاوری

## Gusto

اسلوب، آدا، استیل

## Gustoso

با ذوق و شوق



او، این

## Il basso ben marcato

صدای باس را به طور ویژه قید نمودن و به  
شکل برجسته و نمایان به صدا در آوردن.

## Il doppio movimento

حرکت دو برابر، سرعت دو برابر، سرعتی  
معادل دو برابر

## Il tempo crescendo

با افزایش حرکت (سرعت)

## Garrire

با تقلید، تقلید کردن

## Generoso

به شکل درخشان و چشمگیر

## Gioioso

شاد، با شادی و سرور - شوخ و شنگ، شوخ  
و چالاک

## Giusto

به شکل دقیق، - با رعایت وزن و تمپ اثر  
- به هیچ خطای احتمالی و لغزش به خارج  
از آن اصول، نباید راه داد.

## Glissando, glissato, glissicando

گذر از صدایی به صدای دیگر توسط لغزش  
و لیزش انگشت.

در آلات سیمی انگشت را روی سیمی با  
لغزش لیزانده روی صدای دیگر قرار می  
گیرد و در پیانو ناخن یکی از انگشتان و یا  
تعدادی از آنها را روی کلایه‌های سفید به  
سمت زیر یا بم با لغزش می لیزد و در  
آلات چند سیمه (دارای سیمهای زیاد) مثل  
قانون و سیترا مضراب را روی تمامی سیمها  
می لغزانند.

## G.P.

پائوزای عمومی

## Gracile

ظریف، نازک، با نزاکت

## Gradevole

خوشایند، به طرز ذوق افزا، به شکل ذوق  
بخش

## Grado

به تدریج، کم کم



### **Inferno**

سَرت، غضبناک، خشمگین، آتش گرفته

### **Innocente**

ساده و صمیمی، ساده لوح، به طرز ساده  
گونه، ساده مانند

### **Inquieto**

هیجان زده، به تشویش افتاده، همچون فرد  
ناراحت شده

### **Insieme**

با هم، در یکجا

### **Instantemente**

غفلتاً، به یکباره

### **Instrumento**

آلت موسیقی

### **Instrument a archet**

آلت موسیقی کماندار

### **Instrument a cordes**

آلت موسیقی سیمی، آلت سیمدار

### **Instrument a vent**

آلت دَمی (فوتی).

### **Intensivo**

قوی، سخت و جوندار

### **Ira**

با خشم، خشمگین

### **Irato**

با خشم، خشمگین

### **Ironicamente**

ریشخندآمیز، استهزاآمیز، به شیوه مسخره  
آمیز

### **Ironico**

ریشخندآمیز، استهزاآمیز، به شیوه مسخره  
آمیز

### **Imitando**

با تقلید، با تقلید نمودن

### **Imitando la voce**

آواز خواننده را در آلت موسیقی تکرار  
نمودن

### **Impazientemente**

با بی صبری، با تلاش، با سعی و اهتمام

### **Imperioso**

آمرانه، حکیمانه، با تأکید، قطعی

### **Impeto**

جوشان و خروشان، با جوش و خروش،  
پر حرارت، احساسی و قوی (با قدری افزایش  
سرعت)

### **In**

پیشوند کلماتی که حالات تأثیرگذاری،  
دعوت و مالکیت را دارا هستند

### **In disparte**

جداگانه، در حالت جداگانه، جدا-جدا

### **In distanza**

در فاصله دور، به فاصله دور

### **Incalzando**

با افزایش سرعت، با افزودن بر سرعت

### **Indebolento**

با ضعیف نمودن شدت و قدرت صدا

### **Indebolire**

با ضعیف نمودن شدت و قدرت صدا

### **Indeciso**

غیر قطعی، با تردّد، با نامصمّی

### **Indifferente**

لاقید، بی اعتناء، بی توجه، بدون التفات

### **Infernale**

سَرت، غضبناک، خشمگین، آتش گرفته



## Legatissimo

اصول گذر از صدایی به صدای دیگر با ارتباط و پیوند صداها به هم دیگر بدون فاصله و وقفه با رابطه ای در نهایت کامل.

## Legato

مرتبط، سلیس، روان

## Leggeramente

قشنگ، ملیح و پرتحرک و دینامیک. leggierissimo شکل برتر و عالی این واژه است که فوق العاده ظریف، نرم و در عین حال زنده و روحدار.

## Legno

تگه چوب، قسمت چوبی کمان یا آرشه

## Lene

نرم، ملایم، ظریف

## Leno

نرم، ملایم، ظریف

## Lentando

با کاهش سرعت، همزمان با کم نمودن سرعت

## Lento

با سرعت آهسته و آرام

## Lento assai

خیلی آرام و آهسته، خیلی یواش، در نهایت آهستگی

## Lento di molto

خیلی آرام و آهسته، خیلی یواش، در نهایت آهستگی

## Lesso

زود، تند، به طور سریع و تند، به شکل چابکانه و فرز

## Istesso

همانطوری که هست، به همانگونه که هست

## L

## Lamentation

فریاد تلخ، آه و ناله، آه و زاری، اشک چشم، ندبه و زاری

## Lamentoso

فریاد تلخ، آه و ناله، آه و زاری، اشک چشم، ندبه و زاری

## Largamente

تمام، همه شمول، وسیع و گسترده، فراگیر

## Larghetto

وسیع و گسترده، این واژه، شکل اختصار یافته‌ی واژه largo است.

موسیقی larghetto نسبت به تمپ موسیقی largo قدری پرتحرک ولی نسبت به تمپ آندانته andante خیلی آهسته است. موسیقی larghetto همانند موسیقی largo به شکل جدی، عمیق و پرتحرک نمی‌باشد.

## Largo

با طول دادن و کشیدن (صدا): ۱ - در سرعت کم largo یکی از پنج تمپ اساسی مورد قبول در موسیقی است که سرعت تمپ این موسیقی در بین پنج تمپ اساسی، آهسته ترین سرعت به شمار می‌آید.

۲- پیسی موسیقیایی بدون نام منحصر و ویژه که در تمپ لارگو largo آهنگسازی شده است.



## Lunga

بلند، کشیده (ویژه فرماتو fermato یا پائوزا ( pausa

## Lunga pausa

پائوزای بلند و کشیده، مسکوت ممتد

## Lusingando

نشئه دار، باصفا، شوخ و شنگ و رقصان

## Lustig

شاد، با خوشحالی

## Luttuosamente

مکذّر، غصّه دار، مغموم

## Luttuoso

غمگین، محزون

## M

### M

شکل اختصار یافته واژه‌های main و mezzo

### Ma

اما، لاکن، فقط (در زبان ایتالیایی)

### Macabre

ماتم، سوگ، عزا، ویژه مراسم تدفین، گرفته و مغموم

### Maestoso

به طور محتشم، با عظمت و پرشکوه

### Maggiore

ماژور

### Magnanimita

عالیجنابانه، توأم با احساس افتخار و غرور

### Main

واژه ای فرانسوی به معنی دست

### Mano

## Lesto

زود، تند، به طور سریع و تند، به شکل چابکانه و فرز

## Liberamente

به شکل آزاد و آسوده، به طرز راحت و آسوده

## Libero

آزاد، به طور آسوده و راحت

## Licenza

آزادی و آسودگی، با آزادی

## Lie

به طور مرتبط، به طرز رابطه دار

## Lieto

شاد، مسرور، خوشحال و خرسند

## Lieve

سبک و پرتحرک، سبکبال و جوندار، به طور زنده و شاد

## Lievemente

قبراق، چابک و فرز

## Lirico

در سبک لیریک، به شیوه لیریک

## Liscio

ساده و بی پیرایش، بدون بزک و زینت

## L'istesso tempo

در تمپ اول، در تمپ نخستین، بدون تغییر تمپ

## Loco

۱ - آنطوریکه نوشته شده، همانطور که نگاشته شده (یعنی بدون انتقال به یک اکتاو بالا یا پایین)

۲ - تا اینجا، تا همینجا

## Lugubre

محزون، مأیوس، فجیعانه

**Martellare**

هر نت را جداگانه و به تنهایی به طور قاطع، محکم و قدرتمندانه اجرا نمودن

**Martellato**

هر نت را جداگانه و به تنهایی به طور قاطع، محکم و قدرتمندانه اجرا نمودن

**Marziale**

در حالت جنگاوری، با روح سلحشوری و جنگندگی

**Meno**

خیلی کم، دیگه کمتر، خیلی کمتر

**Meno forte**

خیلی محکم نه، کمی کمتر از آن

**Meno presto**

کمی سریع

**Meno piano**

ضعیف نه به آن حد

**Mesto**

غمگین، محزون، ناراحت و مغموم

**Mezzo**

نصف، نیمه

**Mezzo forte**

خیلی هم محکم نه، نه به آن حد محکم m.f. شکل اختصار یافته این واژه است .

**Mezzo piano**

خیلی هم ضعیف نه - ضعیف نه به آن حد m.p. شکل اختصار یافته این واژه است

**Militaire**

در اسلوب جنگی

**Misterio**

اسباب انگیز، سبب انگیز

**Misterioso**

اسباب انگیز، سبب انگیز

واژه ایتالیایی به معنی دست . m شکل اختصار یافته این واژه است.

**Mano destra**

دست راست. m.d. شکل اختصار یافته این واژه است.

**Mano sinistra**

دست چپ m.s. شکل اختصار یافته این واژه است.

**Malinconia**

مالیخولیا، درد، الم، غصه

**Mancando**

با کم کردن، رفته رفته با کاهش صدا این واژه اغلب جایگزین واژه‌های diminuendo یا perdendosi می شود.

**Marcato**

روشن، به طور واضح

**Marcatissimo**

در نهایت روشنی و وضوح. نت‌هایی که با این صفت مشخص می شوند نسبت به بقیه نت‌ها بایستی به طور چشمگیر به صدا در آورده شوند.

**Marcia**

مارش

**Marciale**

مارش گونه، مثل مارش

**Martelé**

بریده - بریده، ضرب زنان. کمان را در آلات کماندار بر روی سیم به طور قاطع باید طوری کشید که هر نت جداگانه به صدا در آید یعنی بعد از هر نت با مکث‌های جزئی از شتریک (داتاشه) استفاده نمود.



موافق کاراکتر اثر، سرعت را بایستی افزایش داد.

## Moto

حرکت

## Movimento

حرکت، تمپ

## Muta in

۱ - کوک را باید عوض کرد  
 ۲ - آلت را باید عوض کرد. به عنوان مثال در B clarinetto در پارتیای نوازنده اگر muta in A نوشته شده باشد بایستی کلارنت را کنار گذاشته، کلارنت A را بنوازد.

## N

### Narrante

به طرز ریچتاتیو، مثل اینکه نقل (نقالی) می کند

### Naturale

ساده، طبیعی، به هیچ قشنگی و هرگونه بزک، راه ندادن، روی قاعده طبیعی

### Netto

تمیز، روشن، واضح، دقیق

### Nettamente

تمیز، روشن، واضح، دقیق

### Nobile

نجیب، با نجابت، نجیبانه

### Non

نه، علامت نفی

### Non legato

به شکل نامرتب

### Non tanto

## Mobile

آسان، با تحرک، دینامیک

## Moderato

سرعت میانه، معتدل، سرعت متوسط، مابین آنداته و آلگرو. از آنداته تند و از آلگرو آهسته تر.

## Modo

۱ - طرز، سیاق، شیوه، سبک، ادا، تشبیه  
 ۲ - تُن، کوک، مقام

## Moll

مینور، کوک مینور، همراه با اشارات حرفی صداها، کوک و تنالیت را نشان می دهد. به عنوان مثال a-moll - لامینور C-moll - دومینور

## Molto

بسیار، دیگه بیشتر مثل allegro molto یا molto allegro به معنی خیلی تند و سریع. adagio molto یا molto adagio به معنی  $\Lambda$  در نهایت آهستگی و آرامی،  $\Lambda$  بسیار یواش»

## Morbidamente

ظریف، نازکانه، نرم و نازک

## Morendo

به خاموشی گراییدن یعنی شدت صدا را تدریجاً به آن حد کم کنیم که در نهایت به کل، قابل استماع نباشد.

## Mosso

خیلی جوندار، دیگه جوندار، سریع و تند. در ترکیب با دیگر واژه‌های نشانگر تمپ، افزایش سرعت را طلب می کند مثل allegro mosso یعنی سریع تر از آلگرو و یا piu mosso یعنی نسبت به ماهیت و



## Otoni

آلات مسی، آلات ساخته شده از مس

## P

۱ - شکل اختصار یافته‌ی واژهٔ pedale در زبان ایتالیایی

علامت فشار روی پدال راست در اثرهایی که برای پیانو نوشته شده است.

۲ - پیانو = با صدای آهسته و یواش

## Pacatamente

ساکت، یواش، به شکل آسوده و دنج

## Parlando

به شکل تکلم و صحبت نمودن عادی و معمولی، از لحاظ ریتمیک آزاد و مختار بدون جهد نمودن در قوی کردن صدا

## Parte

حصه، قسمت، پارتیا، طرف، هرگونه صدایی در ارکستر

## Partito

در حالت تقسیم شده به صداها، تفکیک شده به صداها، به انواع صداها تقسیم بندی شده

## Passionato

احساسی، مؤثر، تأثیرگذار، مهیج

## Passione

احساس، هوس، شوق همچنین اضطراب، الم، درد

## Patetico

پرجوش و خروش، جوشان، لبریز، با هیجان، هیجان زده

## Pavillonnen l'air

دهانهٔ شیپور را به طرف بالا نگهداشتن

نه آنقدر، آنقدر هم نه، کمتر از آنی که هست. به عنوان مثال : allegro non tanto یعنی با سرعت قدری یواش تر از آلگرو. خیلی هم زیاد نه، نه خیلی زیاد، نه آنقدر

## Non troppo

خیلی هم زیاد نه، نه خیلی زیاد، نه آنقدر

## Non divisi

سری آلات سیمی را گروه بندی کردن

## Nouvo

جدید، نو

## O

یا، و یا (در زبان ایتالیایی)

## Opus

اثر

## Ossia

یعنی، و یا اینکه (در زبان ایتالیایی) - در موسیقی بعضی قطعه ها را در واریانت دیگر اجرا نمودن (به صورت آسان شده و راحت)

## Ostinato

مؤکداً، با تأکید، با لجاجت، مداوم، مداوم، لاینقطع

## Ottava

اکتاو

## Ottava alta

یک اکتاو بالاتر (زیر)

## Ottava bassa

یک اکتاو پایین تر (بم)

## Ottavino

۱ - اکتاو کوچک ۲ - فلوت کوچک



**Piu forte**

بسیار قوی، خیلی شدید

**Piu animato**

به صورت خیلی زنده و چوندار

**Pizzicato**

نوعی شیوه و اصول نوازندگی در آلات سیمی کماندار که نوازنده سیم را با انگشت کشیده و رها می کند.

**Placido**

ساکت، با آرامش، دنج

**Pochissimo**

کمی، اندکی

**Poco**

کم

**Poco a poco**

آهسته - آهسته، تدریجاً، آرام - آرام

**Poco a poco di foco**

به تدریج بر شعله آتش افزودن

**Poi**

بعد، بعداً، سپس

**Pomposo**

باشکوه، با عظمت، با طمطراق

**Ponderoso**

سنگین، وزین، معتبر

**Ponticello**

خرک

**Portamento**

۱ - گذر از صدایی به صدای دیگر در بعضی از آلات موسیقی و حین خوانندگی را گویند به طوریکه حس نشود و ملموس نباشد .

**Pedale**

۱ - پدال را با پا فشردن ۲ - پارتیا و قسمت پدال در نت های نوشته شده برای ساز ارغنون  
Ped. شکل اختصار یافته این واژه است.

**Pensieroso**

متفکر ، در اندیشه غوطه ور شده ، در فکر فرو رفته

**Per violino o flauto**

برای ویولن و یا فلوت

**Pardendo**

صدا را تدریجاً کم نموده و به درجه صفر رساندن

**Pesante**

سنگین، وزین و آرام

**Pezzo**

پیس، اثر

**Piacere**

آنطور که دلخواه است ، آنطور که اجرا کننده دلخواهش است، آزاد و به دلخواه اجرا کننده.

**Piacevole**

به شکل خوشایند و دلپسند ، جاذب

**Piano**

با صدای ضعیف و یواش - یکی از دو واژه اساسی نشان دهنده شدت و قدرت صدا.

**Pianissimo**

تا حد ممکن با صدای بسیار ضعیف و یواش

**Pianto**

فریاد، اشک چشم

**Piu**

بسیار، زیاد



## Q

### Quasi

آنطور، چنین، در آن طرز و شیوه، به شکل مشابه آن

### Quarda

کوارتا

### Quarte

کوارتا

### Quieto

ساکت، فراغت

## R

### Rabbioso

خشمگین، غضبناک

### Raddolcendo

با کاهش صدا، با کم کردن صدا

### Raffrenando

سرعت حرکت را روی قاعده انداختن

### Rallentando

حرکت را آهسته نمودن. rall شکل اختصار یافته این واژه است.

### Rapido

زود، چابک، با سرعت تند

### Raramente

با فاصله، فاصله دار، پراکنده و یک در میان.

### Raro

با فاصله، فاصله دار، پراکنده و یک در میان.

### Rattezza

تندی و تیزی

### Ratto

چابک، زود، سراسیمه، تند و تیز، با شتاب

۲ - اثر موسیقی را از جهت ریتمیک، دقیق و هم از جهت دینامیکی درست و راستین اجرا نمودن

### Posatamento

ساکت، با تمکین، به طور جدی

### Possibile

تا حد ممکن، در درجه امکان. به عنوان مثال p. piano - تا حد ممکن یواش و آرام

### Precedente

پیشین، قبلی، اولی

### Precipitando

با عجله، با شتاب

### Preciso

به شکل دقیق، روشن، معین

### Pressante

زود، چابک، با عجله

### Prestissimo

حد و درجه نهایی واژه presto به معنی سرعت بسیار تند، مرحله اوج تمپ پرسرعت.

### Presto

تمپ دارای سرعت بسیار تند

### Primo

اولین، نخستین

### Profondo

عمیق، عمق

### Pronto

زود، تند، سریع، با عجله و شتاب، چابک

**Risolutamente**

با قاطعیت ، با متانت ، با مردانگی

**Risolutezza**

با قاطعیت، با متانت، با مردانگی

**Ritardando**

آهسته نمودن حرکت، سرعت را تدریجاً آهسته نمودن

**Ritenuito**

با نگهداشتن سرعت، با آهسته نمودن سرعت

**Rubato**

اجرای آزاد و با اختیار اثر از لحاظ ریتمیک (اجرا کننده با ذوق و سلیقه خویش با تغییر مدت نت‌ها دقیق بودن ریتم اثر را رعایت نمی کند).

**Rustico**

ساده، با تواضع، با فروتنی

**Ruvidamente**

قاطع، سخت، سرت، زمخت

**S****Si replica**

یعنی  $\Lambda$  تکرار می شود»

**Senza replica**

یعنی  $\Lambda$  تکرار نمی شود»

**Saltando**

در آلات کماندار  $\Lambda$  استاککاتو»ی کوچک را گویند.

کمان بعد از هر صدا آهسته از سیم جدا شده بر روی سیم گو اینکه به نوعی پرتاب می شود ، به حالت پرتابی حرکت داده می شود.

**Rattamente**

چابک ، زود ، سراسیمه ، تند و تیز ، با شتاب

**Ravvivando**

با افزایش سرعت، به سرعت شتاب بخشیدن ، بر سرعت افزودن

**Recitando**

در موسیقی وکال نوعی آواز خواندن مثل نقل نمودن (نقّالی) و همچون صحبت نمودن را گویند.

**Repetizione**

تکرار

**Replica**

روی نت‌ها: تکرار کردنی

**Resoluto**

با قطعیت، با متانت، با مردانگی

**Ricercato**

قشنگ، ظریف و نازک

**Rigorouso**

از لحاظ وزن، ریتم، تمپ و دینامیک باید دقت لازم نماید.

**Rinforzando**

قوی نمودن، با تشدید و افزایش شدّت  $ri, rfz.$  اشکال اختصار یافته این واژه به شمار می آیند.

**Ripieno**

افزودن صدای میانه یا صدای وسط به ارکستر

**Ripresa**

تکرار

**Risoluto**

با قاطعیت ، با متانت ، با مردانگی



## Severo

جدّی، دقیق

## Sforzando

نت یا آکوردی که منسوب به این واژه است به واسطه ضرب بایستی به شکل ویژه‌ای آنرا به صورت بارز قید نمود.

## Sforzato

نت یا آکوردی که منسوب به این واژه است به واسطه ضرب بایستی به شکل ویژه ای آن را به صورت بارز قید نمود. fz, sfz, sf. اشکال مختلف اختصاری این واژه می‌باشد.

## Simile

اجرای موسیقی در حال حاضر را همانطور ادامه دهید، اجرای در حال حاضر را بدون هیچگونه تغییری با همان قوه دینامیک یا همان اشتریخ و همان طرز ادامه دهید. sim شکل اختصار یافته این واژه است.

## Slargando

با کاهش سرعت، توأم با کم کردن سرعت

## Smorzando

رفته رفته هم از شدت صدا و هم از سرعت آن کاستن

## Snellamente

با صفا، ظریف و نازک، به شکلی واضح و روشن

## Soave

خوشایند، فرح انگیز، فرحبخش، نفیس، نازکانه

## Solemnis

با دبدبه و کبکبه، پرشکوه و پر طمطراق

## Scherzando

توأم با شوخی و مزاح، با نشئه و خرسندی

## Scherzoso

توأم با شوخی و مزاح، با نشئه و خرسندی

## Secco

بریده - بریده، شکسته - شکسته، سرت، منقطع

## Segue

تا حد ممکن ادامه دادن

## Seguendo

قبل از این، آنطور که بوده اجرا کنید، اجرا به همان طرز قبلی

## Semplice

طبیعی، ساده، صمیمی

## Sensibile

توأم با حساسیت، با حساسیت

## Sentimento

با احساس عمیق، به شکل مؤثر و تأثیر گذار

## Sentito

قابل ایفا، سلیس

## Senza

بدون ... بی ... (پیشوندی که نشانه فقدان است)

## Senza sordino

بدون سوردین، بی سوردین (یعنی در این مرحله باید سوردین را از آلت خارج نمود).

## Sereno

واضح، روشن، ساکت، درخشان و چشمگیر

## Serio

جدّی، به طور جدّی، دقیق

## Serrando

با افزایش سرعت، با افزودن بر سرعت



### Stinguendo

رو به خاموشی، غیب شدن یعنی رفته رفته صدای نت‌ها را ضعیف نموده و آخر الامر قطع شود.

### Stravagante

به طرز عجیبی، به طرز غریبی، غیر عادی

### Strepitoso

با سر و صدا، با صدای بلند و قوی

### Stretto

با افزایش سرعت، با افزودن بر سرعت

### Stridente

فریادآمیز، نعره آمیز، سرت و قاطع، به شکل کر کننده گوش

### Stringendo

با افزایش سرعت، با افزودن بر سرعت

### Subito

یکهو، غفلتاً، غافلگیرانه، غیر منتظره، به یکباره، ناگهان

### Subito piano

به یکباره با صدای آهسته و یواش، با صدای آهسته ناگهانی

### Sul p.

در کنار خرک، مجاور خرک

## T

### Tacet

پائوزا نگهداشتن طویل المدت بعضی از پارتیایا (کل آن شماره و حتی تمامی یک پرده) در ارکسترهای خوانندگان و یا نوازندگان (ارکستر، کر و دسته خوانندگان) را Tacet گویند.

### Solitamente

به شکل عادی، بدون مراجعه به اصول و قواعدی ویژه

### Sonabile

به صدا در آمدن، تولید صدا نمودن، به صدا در آوردن

### Sonoro

شدید و بلند به صدا در آوردن، با صدای شدید و بلند

### Sordamente

با صدای خفه و گرفته

### Sordo

با صدای خفه و گرفته

### Sostenuto

بدون عجله و شتاب، دقیق از لحاظ ریتمیک، رعایت ثابت نگهداشتن سرعت تمپ (معمولاً در سرعت متوسط)

### Sotto

در زیر... زیر ...

### Soite voce

با نصف صدا، با نیم صدا

### Spedendo

سرعت حرکت را افزایش دهید، با افزایش سرعت حرکت

### Speditamente

سرعت حرکت را افزایش دهید، با افزایش سرعت حرکت

### Spianato

ساده، طبیعی، بدون بزرک و زینت، بی آرایش

### Spirito

با روح بلندی، با ذوق و هوس، با شوق و حرارت

**Tempo rubato**

در تمپ دلخواه که طول نت‌ها و وزن و اندازهٔ خانه‌ها (تاکت‌ها) را خیلی هم زیاد در نظر نمی‌گیرند.

**Tenace**

با تأکید، مؤکداً، با لجاجت، با ثبات

**Tenebrosamente**

به شکلی اسرارانگیز

**Tenuto**

تداوم دقیق و منتظم صدای هر نت در مدت زمان متناسب و موافق با وزن و اندازهٔ آن نت را گویند که با کشیدن خطی کوچک در زیر یا روی نت مشخص می‌شود.

**Timidamente**

با شرمساری، با احتیاط و اجتناب، اجتناب آمیز با خجالت کشیدن

**Tosto**

زود

**Tranquillo**

با سکون و آرامش، بدون زحمت و کشاکش

**Trionfale**

ظفرمندانه، با شکوه و عظمت

**Tristemente**

غمگین و مُکدّر، ناراحت و مغموم

**Troppo**

بسیار، بیش از حدّ

**Tutti**

همه، کلّ، تمامی، با مشارکت تمامی اعضای شرکت کننده

**U****Uguale**

برابر، با همان طرز و شیوه، هم سبک

**Tanto**

تا حد ممکن زیاد، تا حد درجهٔ نهایی

**Tardare**

سنگین - سنگین، با سنگینی

**Tardo**

سنگین - سنگین، با سنگینی

**Temperando**

با نگهداشتن سرعت حرکت

**Tempestoso**

مهیج، شدید، گرومب آمیز، با شدّت

**Tempestosamente**

تقلید طوفان و گردباد، مثل طوفان بودن، طوفانی شدن

**Tempo**

تمپ یعنی درجهٔ سرعت حرکت یک اثر موسیقی

**Tempo a piacere**

در تمپ آزاد

**Tempo comodo**

در تمپی ساکت، در تمپ آرام و ساکت

**Tempo di ballo**

در تمپ حرکت رقص

**Tempo di Marcia**

در تمپ مارش

**Tempo giusto**

در تمپ موافق با کاراکتر و ماهیت اثر

**Tempo giusto**

در تمپی متناسب و موافق با ماهیت و کاراکتر اثری که باید اجرا شود

**Tempo ordinario**

در تمپ عادی و معمولی

**Tempo primo**

در تمپ اوّل، در تمپی که ابتدا دارا بود.



**Un peu**

کمی، قدری، مقداری

**Un poco**

کم

**Unruhig**

با هیجان، هیجان زده

**V**

**Vagamente**

به شکلی غیر معین و مردّد، به شکل

تردیدآمیز و متردّد

**Veemente**

آتشین، پر حرارت، لبریز، جوشان

**Veloce**

زود، چابک، تند و تیز

**Vigorouso**

قوی، قدرتمندانه، محتشم، باشکوه

**Violentemente**

سرت، خشن، با غضب و خشم

**Vivace**

تا حد ممکن با تمپی تند و شدید

**Vivacissimo**

حد اعلا و درجه نهایی واژه vivace، تمپ

فوق العاده تند، شدید و پر حرارت مانند

presto.

# Classical Music Terms Dictionary



ساز کتابخانه

ISBN : 964-8546-23-1



9 789648 154623 1

Design by: Alion Neger (0441) 723245b



Author:

**AFRASIAB BADALBAIGLEE**

Translated by:

**FARHAD JAVADI (ABDULLAH oghlo)**



این کتاب از وبلاگ میهن کتاب دانلود شده است.  
[mihanketab.blogfa.com](http://mihanketab.blogfa.com)

برای دریافت اطلاعات بیشتر  
و آگاهی از جدیدترین کتابهای اضافه شده،  
به صفحه فیس بوک میهن کتاب پیوندید.  
[facebook.com/mihanketab](https://facebook.com/mihanketab)